توضيح مجاهدين خلق ايران فرباره شركت درانتخابات مجلس برراسي قانون اساسي

سا زمان مجاهدین خلق ایران ضمن بیانیه مغطی بتا ریخ۱۷خردا د/۱۳۵۸ نقطه نظرها ی خودرا مبنی برتدوین قا نون ا ساسی ا زطریق تشکیل مجلس موسسا ن بــه اطلاع عموم رسانده است .

بنام خداوبنام طق قهرمان ابر

بقیه درصفحه ۵

آزادي انتخابات

وازبين بردن عوامل سيستمانيك محدود كننده ، راهى به

چنانکه در مقدمهٔ فهرست اعلامیسه مربوط بهنامزدهای مشترک پنجگـــروه و سازمان مجاهدین آمده ، شرکت مــا د ر انتخابات مجلس بررسى نهائى قانسو ن

۱_ تضمین آزادی کاملانتخابات ۲_ بیطرفی صداوسیمایجمهوری

درازى يك انقلاب دارد.

اساسی ملازم با شرایط زیر است :

شرایط و حقوق مزبوریاد آوری شده است: الف _ حق نظارت بر نحوهرأي _ وتلويزيون براى تبليغات انتخاباتىكليه احزاب و گروهها ،

همچنین دراین اعلامیه حداقــل گیری و حفاظت ازصندوقها وشمارش آراء . ب _ حق استفاده متساوی ازرادیو

صرفنظر از تمام ایرادات اصولیو

اساسی که به نحوه برگزاری مجلسی بنیاه خبرگان داریم ، شکل نتخابات همیــــن مجلس نیز برای ما زیر علامت سؤال قرار دارد . سؤال اینست کهآیا گذشت. ا ز محدودیتهای سیستماتیک، در درون همين سيستم خبركان وانتخابات مربوط بهآن ،آزادی عمل تودههای رأیدهنده

تأمين خواهدشد؟

شيوههاي اعمال نظردر نسطام سرمايهدارى

بطور کلی از دوطریق میتوانــــد آزادی یک انتخابات مخدوش گردد: ۱ ـ طریقهٔ مستقیم مانند تقلب در نحوه رأیگیری ، تعویض آرا وصندوقها ، واردآوردن فشار مستقيم بمرأىدهندكان بقيه درصفحه ۲

ندا ز:ا حمدنا صررهبرجبہـــــه

T زا دیبخش ا ریتره ومحمدعمــر

نماینده این جبهه در ایسران ،

مسعودرجوی ودونفردیگـــراز

برا درا ن مجا هدما ن درا یـــن

گفتگوشرکت دا شتند .درگفتگوی

برا درانه وسازنده ای کـــه از

ساعت ۴ بعدا زظهربه مدت ســه

ساعت جریان داشت مسائلی

موردبحث وتبا دل نظرقــــرا ر

بقیه در صفحه ۲

را ازشوكت در سرنوشت خود محروم مي كنند .

ست که میتوان ۱ ز سیستها تیك شدن جریانهای ضد کارگری

قسمت دوم طرح شورایی و روابط شورایی

درشماره گذشته در مقاله "طـــرح منديكاها تهديدىبرعليه حاكميت روابط شورائی " دیدیم که چرا کارگران دربرابر سندیکا از شورا دفاع میکنند . اینک

نشريه مجاهدين 🖈 خلق ايران

سال اول_شمارهٔ ۲_دوشنبه ۸مرداد ۵۸ تعشماره ۱۵ ریال

آیاارتش

مشروعيت دخالت در

مسائل درون مرزی را

رطريق سياه پاسداران

كسب خواهدكرد؟

خروش خلقهای تحت ستم ماکه بار

سنگین فقر و رنج ناشی از سلطه چندین

وچندساله امپریالیسم ورژیم دست نشاـ

ندهاش را بردوش داشتند ، منجربه ساقط

شدن رژیم گشت. دراین میان دیکتاتو۔

ری سیاه آریامهری دراین تغییروتحولات

را دنبال میکنیم . پس از شکست نظام پوسیده دیکتا ــ

برداشتهائي ازخطبه 10:

ضرورت عيني تشكيل شوراهاي كاركنان درنهادهای تولیدی (قسمت دوم)

• آنان که می گویند کارگران قادر نیستند در ادارهٔ واحدهای صنعتى نقش داشته باشند، نبروهاي اجتماعي حستودهاي

• تنها ازطريق تشكل كاركران واقدام صحيح و قاطع شوراها توری میرفت که به سلطه ظالمانه سرما _ حلوگيري کرد٠

يهدارى وابسته درايران ضربهسختى وارد شود ویک پایگاه امپریالیسم در ایران ضربه گردد . ولی دیری نگذشت که سرمایهدا ــ ری وابسته سعی در بازگرداندن سلطه استثمارگرانه گذشته خودکرد . خواستهای بحق کارگران و کار مندان در بسیاری موار د ب موانع سختی برخوردنمود ، ومذاکرات و

بيانية اعلام مواضع سياسي حضرت على

درآغازرهبرى

اعتراض آنان در دفاع از حقوقشان بلا ــ جواب ماند . وگاهباسرکوب مواجهشد . ملی کردن برخی کارخانهها نیسز

ويژهنامه مجلس بررسي

قانوناساسي

مسائل جامعه درمنه، ء

درمراسم روز ۳۰ تیر که ب

خاطر تجلیل از شهدای خلــق

برپا شده بود ، آیه الله طالقانی

خطا ب بجمعیت شرکت کننـــده

که درمیدان بها رستان

اجتماع كرده بودندگفت :

تمام نيروها بايستى درمقا بل

دشمنان زخمخوردهای که چهدر

داخل وچەدرخا رج، شــب وروز

مشغول دسیسه چینی هستنسد،

متحدشوند. همچنین ایشان

صريحا اعلام نمودندكه: "اسلامها

تنگ نظری جوردرنمیآیـــــد .

اسلامی که ازمتن قرآن وسنست

پیا مبرسرچشمهگرفته ،آزادیرا

محدودنمیکند .هرجمعیتی کــه

بخواهد، آزادی میسیردم را در

انتقادوبحث ، محدودكند ،اين

بقيه درصفحه ۱۰

بقیه درصفحه ۹

• قانون اساسي وحياتي ترين

• اصول کلی حاکم برقو انین

آیتالهطالقانی درمراسم

سىامتير

• هدفهای مرحله جدبدانقلاب را

ممارزه بااستعمار،استبدادبهر

شكل،استثمارشعارهاىسهگانه

روشن كودند

انقلابماست

نشناختهاست

• هرجمعيتي كه بخواهد

آزادى بحث وانتقادرا

محدود كند، اسلام را

نتوانسته به نیازهای مرحلهای انقطاب رهائی بخش خلقهای ایران پاسخگوید . دربرخی صنایع بتدریج عناصر وابستهبه بقیه در صفحه ۳

گزارشی ازیک دیدارسیاسی _ انقلابی بارهبرجبهه آزادي بخش اريتره



روزچها رشنبه ۵۸/۴/۲۷ در مقرجنبش ملى مجاهدين مــا میزبان برا درانی ازخلــــق رزمنده اریتره بودیم ۱۰ یـــــن

توضيح

درشماره قبل نام "مسعودرجوی" نویسنده مقاله "پیامی دررسالت قلم "جاافتاده بود، که به ایس وسيله تصحيح ميكردد

" وَاللَّهُ لُوْ وَجَدْتُهُ قَدْ تُزُوِّجُ بِهِ-النِّسَاءُ وَمُلِكَ بِهِ الْإِمَّاءُ لَرَدَدْتُهُ ، فَإِنَّ فِي الْعَدْلِ سَعَةً ، وَمَنْ خَاقَ عَلَيْهِ الْسَعَدُ لُ فَالْجَوْرُ عَلَيْهِ أَضْيَقُ "

بخشيده شده كذشته رابيابم ، درهرجاكه باشد آنرا مصادرهخواهم نمود ، اگر چـه این اموال به کابین زنان رفته و بسا آن كنيزان خريده باشند . همانا توسعه درعدل است . و چنانچهدر مسیراین راهتنگی و سختی است راه غیرعادلانه به مراتب تكناهايش بيشتر است .)

(سوکند به خدا اگر دارائیهای

جملات فوق يكى ازاولين حطبه هائي است که علی (ع) پس از بدستگرفتنن اداره امور جامعه و رهبری انقلاب و در

جریان بدین ترتیب است که پسس آغاز رهبری جامعه ،ایراد نمود ، درایس از رحلت پیامبر در میان برخی از مسلمین كه بقاياي ناخالصيهاي جاهليت وجامعه کهنه در شیوه زندگی و تفکرات آنان وجود داشت ،گرایشات انحرافی شروع به رشد نهاد . آنها بدلیل وابستگیهای طبقاتی خویش، وفقدان بینشوتفکر صحیح و همه جانبه توحیدی ، از انطباق باایدئولوژی متفاوت است . بیجهت نیست که عددای به قصد جمعآوری غنیمت ومیوه چینی انقلاب و یا احراز پست و مقام تاآنجاجلوآمدهبودند

> را مشخص میکند و بطور کیفی با نظرگا-ههای تحریف شده بظاهر اسلامی آنزمان

خطبه علی با قاطعیت تمام نقطهنظرهای اقتصادی اجتماعی و سیاسی وبطور کلی دیدگاههای خودش را نسبت به مسائلی از قبیل ادامه انقلاب ، شیوهٔ عادلانسه توسعهٔ اقتصادی ، طبقهٔ اشرافیت زمیندار وپایگاه اجتماعی ارتجاع زمان خودو ... صريحاً اعلام ميدارد . بدين لحاظ مي توان این خطبه و خطبه بعدی (خطبه ۱۶) را در واقع بيانيه اعلام مواضع امام على در شرایط بلافاصله پس از پیروزی انقلاب دوم مردم و تودههای تحت ستمنامید.

كه وقتى با اعلام اين مواضع ، منافع بیانیهای که خط مشی انقلابی علی خویش را در خطر دیدند ، ازاطراف املم على دورشده وحتى به توطئه بر عليهاو

ازاین تاریخ استعمارایتا -

ليا با نهايت خشونت ووحشيكرى

مردما ريترة واموردا ستغيار

قرا ردا د،وهمهنها دهای مستقل

کشوررا منهدمکرد ،هنگا میکه در

۱۹۴۰ هوسولینی دیکتات-ور

ايتاليابه انگلستان اعسلان

جنگ دا دمردم اریتره خوشحال

شدندچون آنرا را دنجا تی بسرای

خودتلقى ميكردندودرسا ل19۴۱

نیروهای ایتالیادراریتسره

شكست خورده واريتره بهتصرف

قوای انگلیس در آمدوم سردم

فهميدندكه تنها استعما ركسرى

رفته واستعما گردیگری آمده

بعدا زجنگ جها نـــــــــى دوم

آزادي انتخابات...

وخلاصه هرروشی که آ شکاراو به صــورت مستقيم اراده وخواست آزادىراىدهندم گان را تحتالشعاع قراردهد.

۲- طریقه غیرمستقیم وسیستماتیک دراین روشها که بخصوص درکشورهای سرمايهداري غربي جاريست علىالظاهم فشار مستقیم متوجهرای دهندهنیست ، لکن اوضاع و احوال کل کشور و نحوه تفکیر و تربيت وتبليغات و انتخاباتطورىتنظيم شده که رایدهنده خارج ازچهارجـــوب سیستم موجود قادر به انتخابنیست .و لذا هر انتخابی هم کهبکند درچهارچوب نظام خاص ومنافع کلی آن صورتگرفتــه است ، بعنوان مثال سيستمانتخاباتـــى امریکا را در نظر بگیریم کهمردم ایسن كشـــورچه بخواهند وچه نخواهند دست آخر بایستی کاندیداهای یکیازدوحز ب جمهوریخواه ودموکرات را بعنوانرئیس جمهور بپذیرند . بعبارت دیگر سیستـم طوری تنظیم شده است که بین دو فرد کـه البته هركدام بهانحصارات وسرمايــه ــ داران معلوم الحالي وابستهاند يكيي از آنها انتخاب شود .یعنی هیچامکانی برای برنده شدن نامزدهائی که بهانحصارا ت وابستهنيستند ، وازطريق شبكهتبليغاتي آنها به مردم معرفی نشدهاند ،وجــو د ندارد . باین تربیب ملاحظه میشود کــه درسرمایهداریهایغربی ابتدا مردم ر ا به یک فرهنگ مصرف و کالاپرستی ، سود_ جوبى وبرترىجوبىنسبت بهملل ضعيفو اصالت و رسالت تمدن خودشان عـــادت میدهند ، وبعدا " درچهارچوب این نظام و ارزشها ودگمها به رایگیریمیپردازند.

اسلام وآزادانديشي

منظور از دگمها عقیده برترینژادیاست که حزب نازی مبلغ آن بود .

بنابراین چنین رایگیریوابـــراز ارادهای در واقع امر نمیتواند با معیارب های اسلامی و توحیدی آزادانهتلقیشود زیرا مفهوم آزادی درنظرگاهتوحیدی بــا نظرگاه سرمایهداری غربی خیلی تفاو ت دارد ، در دیدگاه توحیدیواسلامیکلیه عوامل محدودكننده اراده آزادوآكاهانه بشری تحریم شدهاست . از مسکرات و مخدراتگرفته تا عوامل محدودکننده اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی . بههمیسن

7 يا ارتش ...

، ازاهمیت خاصی برخورداربود ، حکومت

جبارانهای که مردم را ازکوچکترینحقوق

أنسانى وسياسى خويش محروم ميداشت

بدين ترتيب مردم هرچهبيشترازدخالت

در تصمیم گیریها و حق تعیین سرنوشت

سيركميته هاى انقلاب

مسلحانه سال گذشته دست به تشکیـــل

نهادهائیزدند، تا با همیاری یکدیگر

مشکلات دوران انقلاب را از پیش پا ی

بردارند ، بعدها قسمتی ازاین نهادها

با تغییراتی در فرم ومحتوایشنام "کمیته

های انقلاب" را گرفت . این کمیته هـا

ميتوانستند درجريان عميقترشدن انقلاب،

تودههای مردم در اوج قیــــام

خویش دور نکهداشته میشدند .

دلیل نیز در فقه راستین اسلامی هرعقد وقراردادی که درآن بوجهی از وجسوه قدرت انتخاب یا همان اراده آزادانسان محدودشدهباشد اعتباری ندارد .

حتى اگر كسي عالما "و عامدا " از فرط تنگدستی خودش حاضر شود کـــه بدست خودش رایش را بفروشد ، بازهــم این خریدونروشیاطلاست . زیرا اگر چـ۸ فروشنده بظاهر خود را مختار میداند ، ولی در واقع امر تحت اجبار خاصی بــه چنانکاریکشانده شدهاست.

حداقلانتظار

اكنون با توجهبه توضيحات بــا لا میتوان نتیجه گرفت که طبعا " تاوقتــی ظلم واستثمار وبىفرهنگى وجوددارد، تا وقتی شعور و بینش اجتماعی وسیاسسی رشد کافی نکردهاست ،طبیعتاتاوقتید ر هر جامعهای به نسبت خودش عوامـــــل سیستماتیک محدودکننده وجوددارد . و خودبخود عمل میکنند . راه رفعورجو ع این عوامل نیز راهیست اساسا "طولانیو دراز مدت . راهیبدرازای یکانقسلا ب بنیادین اجتماعی ،اقتصادیکه ما تازه درآغاز آنیم ، راهی کهتنها درپایسان آن میتوان عوامل محدودکنندهٔ آزادی ، یاهمان جبرهای خودکار اجتماعی ۔ اقتصادی و سیاسی را درروانشناسیسی جامعه خنثی نمود .

لكن فشارها وطريقههاى مستقيسم مخدوش کردن آزادی انتخابات را دیگر بههیچوجه نمیتوان در هیمن مرحلــه و همین امروز نیزنادیدهگرفت .و بـــر آن نشوريد ، موضوع مقاله حاضر نيزفعــــلا " همينكونه محدوديتها واستبدادكريهاي ضد آزادی است ، بعبارت دیگر از دولت و مراجع میخواهیم که لااقل منطق چوب و چماق و پنجهبکس و شانتاژ و تهدید و همچنین دستهجمعی فرستادن کارمندان وکارگران یک واحد را بپایصندوقمحکوم کند ، تنها دراینصورت میتوان گفت کـه روشهای انتخاباتی آریامهری ازاین کشور رخت بر بستهاست .

همه میدانیم که درزمان شاهمخلوع شیوهرایگیری کامیونی واز ترس قطـــع حقوق و ازدست دادن مزایای مختلف، تا چه پایه مبتذل و نفرت انگیز بود . لــذا اكنون نيز نبايد كذاشت هيچ محدوديت و فشاری تحت نام هرکس وهر حزب ہــر موضعگیری های مختلف انتخاباتی افرا د وارد شود .

انحرافي برخى عناصر فاقد صلاحيت و نه تنها در همان جهت هرچه مردمی تسر شدن پیش نرفت ، بلکه در برخی موارد باعث چوب لایچرخحرکت مردم گذاشتن و نارضایتی فراوانی گردید.

شوراهائی را بوجود آورندکهمنتخبمردم بوده ومهمترين وسيلهوتضمين براي حفظ آزادیهایسیاسی ودخالت عموم مردم در تصمیم گیریهای سیاسی باشند . ولی بعلت گرفتن شکل صرفا" نظامی مورداستفاده حتى مغرض قرار گرفتند ، به همين دليل

سياه ياسداران انتلاب

ارتش بهعلت مقابله وايستادكي اش در برابر جنبش مردم و ابرازماهیتکاملا" ضدخلقیاش، دراینمدت از کمتریــــن وجههای بین مردم برخوردار نبود . بــه طوری که هرآن از جانب آن انتظار کودتا میرفت . ازطرف دیگرکمیته ها هم علاوهبر

گزارشی ازیك دیدار ... انستنداریتر و انسرف كنند.

گرفت ،کهکزارشی ازاین ملا -قات وبخشى ا زسئولات ومطالبى راكه عنوا نگرديد ذيلاً ميخوا -

تاریخچه مختصرمردم اریتره:

درابتدا احمدنا صرضمين تشريح مختصرخصوصيات جغسرا فیائی تا ریخی واجتماعیی و فرهنگی اریترهچنین گفت : ا زفرنها پیش ا ریتــــره

سرزمین مستقا بودهاست، با تمدن،سنتهای ملی وتا ریسخ خاص خود ،ولی استعما رگــرا ن كوشيده اندملت ايتره راهسم چون دیگرملئهای استعمارزده یک ملتبیتا ریخ معرفی کنند ا ولین استعما رگرا ن عثما نــی. ها بودند ، وسپس نوښت بـــــــــــه ايتاليائيها رسيدكه درسال ۱۸۸۹ پس ا زچها رسا ل نبــــرد

نقائصی که در بالا برشمردیم ، بعلبت

منطقهای بودن و عدم تمرکزش، توانائی

کنترل بر ارتش را نداشت ، از اینسر و

سپاه پاسداران انقلاب بااین هدف که مستقل

از هر ارکان دولتی در آینده حتی بتواند

وظائف شهربانی و ژاندارمری را نیز بــه

عهده بگیرد ، بوجود آمد . آنگونه که از

ابتدا اعلام شد ،اینسپاه تصمیم داشت

بعنوان بازوان انقلاب اسلامي جلوهركونه

توطئهای را برعلیهانقلاب بگیرد . ولسی

متاسفانه بعلت وجود برخی عناصر نا ــ

صالح در رهبری آن ، بزودی عرصهیکه

تازيها وتصفيه حسابهاى كروهىو شخصى

شد ،که اولین دستاوردو عملکردش را در

دستگیری فرزندان آیتالله طالقانسی

ديديم ، واين آغاز انحراف بود ، عدم

انسجام ایدئولوژیک بازتاب خود را در

شقه شدن سپاهنشانداد . ازاینپسهازار

مارکزدنها ، تصفیههاو . . . بسیار گرم

بود ، تودههای پاسدار سرخورده از نا ــ

صداقتيها ، تهمتها وافتراها ، از آنجائي

که آنان را پاسداران واقعی انقلاب نمی۔

دیدند ، خیلی زود ازایشان بریدند .

تبلور و انعكاس وسيع اين نارضايتي رادر

جریان تحصن پاسداران در دادستانی

ورود پاسداران به مسائل

دیکتاتوری، تضادهائی راکهتااوج

بلوغ و رشد خود رسیدهبودند ، زیرسرــ

پوش خود پنهان میداشت ولی با ساقیط

شدن رژیم این تضادها بشکل بارزیخود

را در مناطق دورافتاده این سرزمین ک

بار سالها ظلم و استثمار مضاعف را بـــر

دوش کشیدهبودند ، نشان داد ، مسالــه

مليتهارا همانگونه كهبارها در تجربيات

خلقهای دیگر باثبات رسیدهاست ،بــه

شكل سياسي ميتوان حلكرد . و راه حل

نظامی تنها منجر به پیچیدهترشدن T ن

خواهد شد وبس. به همین جهت باورود

پاسداران به مسائل ملی و منطقهای ایسن

بحرانها نهتنها فروكش نكرد ابلكه شعلم

ورتزنيز شد . ازطرف ديگر فقدان توانا_

ئيها وآموزشهاى رزمىو ضعف تداركاتى

سهاه منجر به مشروعیت دخالت ارتش ،

منطقهاي

هنگامیکه مسئله تقسیم سرزمین های تحت تصرف ایتا لیا مطرح شد، به اکثر آنها استقلال دا دند ا ما ا ریتره را به علت موقعیـــت خاص استراتویک استقلل

درسال ۱۹۴۷ انگلیسیها طرحی برای تقسیما ریتـــره اندیشیدند ،بدین ترتیبکـ جنوب اريتره وارتفا عـــات مرکزی به حبشه متصل شودوقسمت شمال غربى مستعمره انكليسس باقى بماندوبهسودان نيمه انگلیسی،نیمه مصری بپیوندد .

نفوذ آمريكادر اريتره:

امريكاكه اهميت سوق الجيشى اريتره را بخوبى شناخته بــود قرا ردا دی با هیلاسلاسی امپراطوراتیوپی بستکه طبق آن حکومت ا تیوپی در صبورت تسلط به اریتره در آنجا پایگاه های نظامی دراختیا را مریکا قرا رمیداد.

در ١٩٥٥ ابا فعا ليت ونفسوذ ا مریکا ،سا زما ن ملل طـــــــــــى تشکیل کمیسیونی با تصویــــب بقيەدرصفحە، ٨

> که اتفاقا "بتجربیات فراوانی نیز طـــی سالهااندوختهاست ،گشت، بدینترتیب برای ارتش که تابحال زیر علامت سوال قرارداشت و ازدخالتش در هرگونهدر _ گیریهایی درونیجلوگیریمیشد، زمینهای فراهم آمد تا درآينده آزادانمواردصحنه

تحولات اخيرارتش

ارتش تاقبل از انقلاب بىمحابا مردم را سرکوب میکرد ، واساسا " یکی از وظایف عمدها ش نیز همین بود . ولــــی اكنون نعتنها ديكر مردم زيرباراين مساله نميرفتند ،بلكه حتى خود پرسنل آكاه ارتش نیز از قرارگرفتن در برابر مردم ابا داشتند . در قطعنامههای پرسنل ارتشکه به مناسبتهای، مختلف انتشار مییافت ، مكررا" شاهد بوديمكه خواستار عــــد م مداخله ارتش در مسائل درون مرزی بود. ند . مخصوصا "درجائي كه آيت الله طالقاني تشکیل شوراهاراتنها راه رسیدگی بهخوا ــ ستهایخلق های تحت ستمایرانمیدانند هیچگونه عذری و توجیهی برای دخالت ارتش باقی نمی ماند ، هنگامیکه برخسی سران جنایتکار ارتش را دردادگاههای انقلاب به محاکمهمیکشیدند ، در مقام دفاع از خود میگفتند که : " به ماگفت. میشد برای حفظ نظم باید این خرابکار۔ ها و عمال اجنبي را بكشيد ".آياتعجب_ آور نخواهد بوداگر اکنون همبرای حفظ نظم در برابر عمال بیگانه ، دوبارهحربه ارتش بكار افتد ، هرروزه شاهد بازسازي سريع ارتشهستيم .بالايحههاى عفوهر_ کونه تعرضی نسبت بهساحت پاک آارتش ممنوع اعلام میکردد ،وفرماندهان وسر _ سپردگان رژیم پیشین از زندانها آزاد میشوند . درحالیکه عموما پستهای حساس را در ارتش همینگونهافرادبر عهدهدارند. سرويسهاى ضداطلاعاتباهمانكادرهاي قديم وباهمان وظائفو اهداف دوبارهپا میگیرند ، قرار دادهای تسلیحاتی ابقاء شده واز مستشاران دعوت میشود بسرای

ادامه کارهای خویش بازگردند . اخیـرا "

هم با ایستادگی غیرقابل انتظارد، سرابر

خواست مشروع و برحق پرسنل نیروی هوا ...

ئی در موردتشکیل شوراها ،آشکارشدکهنه

تنها ارتش قصد نداردمناسبات گذشته را دگرگون کند ، بلکه هرچه بیشتر درصد د است حاکمیت و اقتدار گدشتهخودراباز_ يابد . چشمهاىنگرانخلقما ونيروهاى انقلابي درون ارتشكنجكا وانهابن چرخش ارتش بسوی عقب را تعقیب میکنند .و البته بسادكي همزير بارآن نخواهندرفت درعین حال کنارگذاشتن امیررحیمی فرمانده دربان مركز نشان دهنده عمايلي است که صرفنظر از نوسانات موضعی ، با تعدد مراکز قدرت موافق نیست. ازطرف دیگر کنارزدن افرادیکهبانظرات معتدل تری معتقدند ارتش نباید رودررویمردم قرار گیرند ، و ارتش باید آگاهودموکرات باشدو . . . میتواند مقدمهای باشدبرای دخالت ارتش در مسائلمنطقهایو ســرـــ كوب خلقها .

زنك خطربه صدادرميايده

بى جهت نيست كهبلافاصله پس از فارغ شدن ارتش ازحل بخشى از تضاد _ های داخلی خود ،اولین اخباری که در مورد ارتش مبخوانيم اينها هستند: " دولت امنیت منطقهارومیه را بــه

لشكر عع واكداشت وزويزر دفاع ميگويد: " ارتش باید برای حفظ نقــاط

آشوبزده مداخله کند".

بامقايسه سادهاى ازاوضاع ودستور العملهای خیر ، با چندماه قبل وپس ا ز سقوط دیکتاتوری ، تفاوت کیفی عظیمی مشاهده میشود . این اختلافات ناشی ا ز تلاشهای فراوانی است . برای کسبوجهه دوبارهارتشو مشروعيت دخالت أنحتى در امور داخلی ، و زمینهسازی برایقانو ــ نی نشان دادن هر اقدامی که در شرایط خاصی توسط ارتش صورت میگیرد .

باورود ارتش به صحنه سیاسی ایس سوال مطرح میشود که آیاهمین زنگخطری نیست کهما را به عواقب این امرهشدار دهد؟ و از مصائب فراوانی که درآیندهای نهچندان دور درانتظار خلق ماست ما را آگاه سازد؟ آیا این اعمال همان ارتسش گدشته راتداعی نمیکندکه به بهانه حفظ نظم بههروسيلهاى ازجمله سركوب مسسرم منوسلميشد ؟ بودن منطقه وبخصوص گردوخاک

مستمر ،زندگی در چا در را مشکل

میکردوا تا قهای قابل سکونتی

همنیزبهTن شکل وجودندا شست

ولی آنها ازهمان اول دست به

کا رشدند ،چندچا درنصب شـــدو

گزارش سازندگی

مردمی میباشد.

وروشن استكه انجام چنین تحولات ا ساسی درجا معه جزبا حرکتی خلاق درمسیـــــر مبا رزا ت ضدا مپریا لیستی خلق قهرمان ما امكان پذير نيست چەبراساسىك تحليل واقىسى گرایانه از تحولات اجتماعی ، وقتی اساس وبنیاد این نا ــ بسامانیها را درحضورمدا وم و مستمرا مهريا ليسمجستجوميي کنیم ،هرتلاشی جزحرکت دراین مسير ،بيشتربه يک قرص مسكنن است تا حل وعلاج قطعي تضاد های اجتماعی _ اقتصادی، چراکه حضور هرچند ضعیف ا مپسر۔ یا لیسمدرمعنههای اجتماعی _ ا قتصا دی،برفرض موفقیــــــت برنا مههای ما ،آنها رانیـزاز بین برده و زمینه را برای تسلط مجددخودهموا روآما ده میسا زد. براساس چنین پینشی وبا درک صحیح وتوحیدی از تحـــولات سیاسی _ اجتماعی جا مع_ه ، سا زمان جوانان مجاهد ،درکنار کرده ومیکند ،با بسیجنیروهای فعال ودلسوزبرای تحقیی هدفهای فوق بکوشد.

گامی کوچائولی ارزشمند با مردم، درجهت مردم:

ا ززما نیکه مسئله کا رها ی عمرانی،درروستاها برای فصل تا بستان،دردستورکا رسازمان جوا نـا ن مجا هدقـرا رگرفــــت ، روستاهای متعددی،شناسایی و ارزیا بیشد .درهرروستایی ک قدم میگذاشتی،با انبوهــــی مسائل ومشکلات بس بنیــــــــا دی روبرومیشدی وتوقعات فــرا_ وان روستائيان.توقعاتي كــه حق طبیعی این محرومتریـــن قشرجا معهبه حساب میآیـــد .در بین تمام این دها تکــــه خرا ہی هرکدا مبه تنہا ئی مسند محکومیت رژیم پہلوی وا مپر۔ یا لیسمجها نخوا را ست .وبــدون ھیچ استثنایی ھربازدیدکننڈ صادقی را درضرورت استمــرا ر مبا رزه ضدا مپریا لیستیمستحکم ترمیکند ،بعضی دها ت نیـــــــز پیدا میشوندکهخرا بیها یی بــه مرا تب وحثتنا كتربرپيشا نـــى

بدنبال شناسایی ها و ارزيابيهاى مغطى كهبهعمل T مد ،به عبا س T با دبر خــــورد کردیم ،دهی کهدربدوورودانشا را به یا د T تش سوزیها وغا رتگری های مغولها میا ندا زدوبـــــه دنیا ل بررسی جوا نب دیگیر مسئله ،ا ينمنطقه به عنوا ن يكي ا زطرحهای عمرانی تابستانی سا زمان جوانان مجاهد قـــرار

شان نقش بسته است .

عبا سآبا دچگونه دهــــی است ؟ وشرايط ا مروز آنچيستې

جنوب جا دەقزويىن ــزنجا ن درحا شیه را هسلطا نیه ،ده مخروبه ای بنا معباس آبا دقرا ردا رد، این ده زمانی،یکی ا زآبا دتر_ ین دهات این منطقه و دا رای _ زمینهایی سرسبزوزیبا بود ، و همین خرمی وآبا دی آنموجبات نا بودی وا نهدا مشرا فرا هـــم

فثودا ل معروف منطقه از دیربا زبفکرتسلط وبهچنــــــگ آوردن این زمینها بودوبسرای رسیدن بهاین هدف از هیسچ دسیسه ای فروگذا رنمیکـــردو طبیعی استکهکلیهنها دهای رژیمسرنگون شدهشا هنیزدراین را ه درخدمتش بودند ،بطورخــا ص برا درمعدومشکه مهره ای حساس ا زا رتش ضدخلقی شا ه بودکمکها موشری برایش انجام میداد . او نیزنقش همیشگی یک ارتشی ضد خلقی را بخوبی به انجا مرساند. توطئه ودسیسه چینی آنها ،

وقتى توانست بخوبى موئـــر افتدكهبا استفادها زشيوههاى معمول وشناخته شده ديكرصاحبا قدرت ،دست به ایجا دا ختـلاف و جنگ دربین روستا ئیا ن زدند. فرمول نیزخیلی سا ده

بود ،چندفردمسلحرا پیداکسرده، گا ه به گا ه به ده حمله ک ــــرده و آسایش مردم را سلب میکند ،چند نغرا زاهالی دەنيزخريدەشىدە وگاهبا همگامی آنها وکساه خودمستقلاً به حريم ديگ ___ران تجا وزمیکردند ،نتیجه ا زقبــــل مشخص ا ست ، درگیری وبرخـورد بین اهالی که عمدتا به شکـــل نا بودکردن مزا رعوآ تـــش زدن خانهها درآمدوبدنبا ل آن کوچ کردنهمه ۱۰ عما زنحریک شدگـــا ن ویا دیگرمردمده وبدنیـــا ل T ن T ما دەشدن زمینەبرای تسلــط ارباب

ولى اوضاعوا حوا لمتغير اجتماعي،به ارباب اجازهنداد كەعلىرغماين جنايتها ،بــــه زمین موردنظرش دست یا بدچرا کەتخلیەدە ،باشکلگیری جنبیش خلق ما ،همزما نشدودیگیرآن شرايط مطلوب درجزيره ثبسات ا ربا ببرای غا رتگریها ،نمی توانست محفوظ باشد.

ساكنين روستا بهشهر گریختندودرزاغهها یـــــــی در زنجان مستقرشده به کارها یــی شبیه آن مشغول شدند .ده مخرو_ به آنها نه تنها هیچا مکانی را برای با زگشتشان درخودحفـــظ نگرده بود ،بلکه ترس ا ز ا ربـــا ب نیزشرایطی را بوجودآوردهبود که آنها راحتی ا زفکربا زگشت بهزا دوبومشا ننيزمنصرفكرده

ا میدمردمدرجهت محیح مبارزه تقویت میشود:

مبا رزات اخیرمردم غیلی چيزها را عوض کرد .روستا ئيــــا ن

مجا هدین شاخه زنجان کـــه از آغا زتشکیل،تلاشهای وسیعی در جہت حل مشکلات مردم وکمک ہے برنا مههای مردمی مقا مـــات استان انجامدا دهبود ،اجرای این طرحرا بهعهده گرفت وبسه خا طرگستردگی ووسعت آن بـــــا همگا می جوا نا ن مجا هدوفعـــا ل تهران دست بكارانجام آنشد.

باقی مانده است به جرئت مسی توان گفت که قابل استفاده خانهها ومنازل مسكوني عموما کا مل میباشد ،ساختن ۲۸دستگا منزل،یک با بحمام ،مدرسه ، خانهها ست وآنهمتا اندازها ی که توان وا مکانات ما ،نیسروی

محدودا جا زه میدهد .

و از آنجا که عتراض کارکنان دراین زمینه کارفرماها وسرمایهدارانی که حتی

چشم دیدن بهبوددروضعیت کارگران را ندارند ، ورشد كاركنان واحقاق حقوق آنانرا متضادبا منافع خودميبينند ، همكي دست بدستهم داده ، با نقشـــــهـــای حساب شده سعی در محـــــروم نگهداشتن کارگران وکارمندان از حقوق حقه خود دارند . وامروز کارشان به جائی رسیده که با نغوذ در سیستم حاکم بسه خود جرئت دستگیری و توهین بهکارگر-ان و کارمندان را نیز میدهند .

در مواردی دفاع از سندیکاها می نواسد دلیلی بر حقانیت آن باشد .

سادهاندیشانه است اگر تصور شود با دست روی دست گذاشتن و مـبـارزه نکردن با سرمایهداریوابستهبامپریالیسم میتوان به فقر و رنج تودههای مستضعف و بخصوص کارگران پایان داد . آیا آنان به گرسنگی خانواده کارکنان وبی مسکنی ویا گرفتاریهای ناشی از سلطهنظام سر ــ مایه داری وابسته بر زحمتکشان میسوزد .

و نظام آریامهری با زحمتکشان تحت ستم مثل گرگ و گوسفند است . گرگ آرزودارد

طرحبازسازي روستا

آنچهکه از این ده اینک نیست ،زمینهای حاصلخیــز آن مدتی است که بدون کشت ما نده، خرا ب ،سوخته وغیرقا بـل سکونت است ،ولذا نيا زمندبهبا زسا زی مسجدوغسا لخا نهبرای آن ضرــ وری است طرحیکه اکنون در دست اقدام است محدودبه ساختسن ا نسا نی ،مما لحسا ختماً نی ووقت

انجا مچنین طرحی نیزبه

ضرورتعيني...

سرمایهدارانی که عمری خون کارگیران را مکیدهاند با حکم و دستور رسمی بکارخا_ نهها بازگشتهاند . اینان عواملنارضایتی کارگران و کارمندان رافراهم ساختهاند ، به نیتجه نرسیده ،باعث زدگیودلسردی آنان شدهاست . تاثیراین جریان رادرکم وکیف کار در محیط کارخانه میتوان دید.

در میان تمام موضعگیریهای سرمات یهداری وابسته ،لبهتیز حملات آن متوجه تشکل کارکنان است ، که این خود دلیل بروحشت آنان از متحدشدن کارگــران و کارمندان میباشد . و ارآنجا که همیشیه دشمن بهجائي كه بيشتر منافعش رابخطر میاندازد حملهمیکند ، حمله آن به شوراهاو

مثال سرمايهدارى وابسته باستعمار

خردا دبرای کا ربه منطقــــه اعزام شدند ، درا وایل اشکالات زیا دی برای کا روجوددا شت ، چه ا زلحاظ شرایط زیستی اردو مثل جا وغذا و . . ، وچه مسا ئــــل کا رگاه .

مُقدمات وتمهيدات زيا دىدا رد

ولی نیا زمبرمروستا ئیـــــا ن و

محدودیت زمانی ایجا ب میکرد

که سریع دست بکا رشد ،نقشـــه

ساختمان ها تهیه شدو ا ولیــــــن

سری دانش آموران درا واخسر

جوانان پرشور باسارندگی روستا. هاخود رامیسازند:

تقریباً هیچ، ا مکا نیبرای زیست وجودنداشت ،با د گسیر

گله پراکنده و بدون محافظ باشد .

مگر همین رژیم شاهٔ نبودکهسالهای سال با تفرقه و سركوب تشكيلاتسياسي انقلابی خلق ایران ، ثروتهای ملسی و دسترنج خلق را به دهان امپریالیسیم می رخت ، ولی از روزی که مردم متحد شدند عقب شست وسرانجام بزانودرآمد. وضع سرمایهداران وابسته وبسزرگ

هم همینطورات وبایستی کارکنانکار ـ خانجات بانيرون اتحاد وتشكلدرشورا های کارکنان به سرنوشت خویش حاکمم

درجائیکه دشمنان آزادیکارگرا ن از قید استثمار کمرشکن ، شبوروز درحال توطئه می باشند ، ضروریست که کارگران و كارمندان صديق كارخانجات بعنوانيك وظيفهانسانى و مكتبى عليه توطئه امپر_ ياليسم اختلافات باقى ماندهاز رژيـــم سابق را حل کرده و در شوراهایکارکنان ازحقوق خود دفاع كنند،

لزوم شوراها از نظر حاكميت خلقهابرسرنوشت خود • حاکمیت کارگرانوکارمندان برسر۔

نوشت خویش مهمترین بخش از حاکمیت تمامى خلق برسرنوشتخويش استانسان آزاد آفریده شده واین حقی است خدائی که اجرای آن به دست خلقها ودر جهت نغی استثمار وبهرهکشی انسان از انسان عملی میشود ، بغرموده قرآن حتی پیغمبر هم حق تسلط جبری و آمرانه را برسر ــ نوشت دیگری را ندارد "انما انت مذکر لست علیهم بمصیطس "، ای پیغمبر سو فقط نشان دهنده راهي ،وحق تسلط وسلطه جوئی برکسینداری" چه رسد به قدرتی که ماهیت استثمارگرانه وضدمردمی داشته

اگر بخاطر آوریم کمانسانها بسرای دفاع از حقوق خود جبرا باحالتي دستهـ جمعى ومتشكل عمل مبكردند ، ويا درطول تاریخ پیروزیهای مستضعفین بر دشمسن اصلی انسانها مانند نظام بردهداری و

ا تا قهای معدودی نیز آ ما ده کونت گردید ،دریکی دومبورد انبارهای پهن راتخلیه کرده وبعدا زنظا فت درآنها ساكــــن

مشكلات كا رئيززيا دبود، روزهای اول حتی ازلحاظ بیل وکلنگ ودیگروسایل کار در مضيقه بودند ،نقشه ساختما نها بقیه درصفحه ۴

فئوداليسم هميشه با اتحادوتشكل خا ص آن دوره تاریخی میسربوده ،میتوانیسم نتیجه گیری کنیم که لازمه ٔ مبارزه با امپر۔ ياليسم اين پيچيدەتريندشمنخلقها ، داشتن یک تشکیلات پیچیدهانقلابسی

کسانی که میگویند کارگران قسا د ر نیستند در اداره ٔ شوراهای کارکنان یسا نهادهای صنعتی نقشداشته باشند ، دانسته یا ندانسته آببه آسیاب ضدر انقلاب مىرىزند . نيروهاى اجتماعسى وسیعی را ازشرکت در سرنوشت محیــط كارشان محروم ميكنند .وبرتفرقهواختلاف داخلی نیروها دامن میزنند . کارگران را نسبت به قدرت عظیمی که دراتحادشان نهفتها ستبی خبر نگهمیدارند . و زمینهرا برای آزادی دست وابستگان با مپریالیسم فراهم میسازد . و روحیه انقلابی کارکنان را مخدوش میکنند .

ضرورت شوراهابعنوان گامی در جهت مبارزهٔ ضدامپریالیستی

در شرایط کنونی مناسبترین شکل برای ادامه مبارزه ضدامپریالیستی خلق_ های سراسر ایران تشکیلات شوراییاست. که بتواند روابط ومناسبات شورایی رابین خلقها مستقر کرده ، آزادی ضروری را تامین نماید وهمهنیروها را متشکلسازد. درغیراینصورت هیچ شکل دیگرینمیتواند ضامن حاکمیت تمامی مردم بر سرنوشت خردشان باشد . بعبارت دیگر شوراها مناسبترین شکل ، برای تضمین محتوای ضدامپریالیستی مبارزات مردم ماست. مىبىنىمكە مېريالىسم آمرىكا ، و

ليبراليسم سازشكار ومرتجعين داخلىبا توطئههای نفاق افکنانه خود هزروزه د ر میهن ما بخصوص در محیطهای کارگری ، سعی میکنند که اشکال بدون محتوائی از الگوهای نوع سرمایه داری را به کارگران تحميل كنند .

بقیه درصفحه ۴

میہنما ن کا ری خلاق وسا زندہ

جریا ن دا رد ،کا ری گهعمدتا بر

روحيه وشورا نقلابي جوانسان

متکی است .همان انگیزههای

پاک وانسانی که آنها را بـــه

مسيرمبا رزات فدديكتا تسورى

وا مپریا لیستی کشا نده و اینیک

آنها را درشکل دیگری ا زایسن

مبا رزه بکا رگرفته است ۱۰ یسن

سرمايهبكروبا ارزشى استكمه

درصورت وجودآن میتوان بزرــ

گترین سدها را شکست و ازبینن

بردودرا ينجا تجلى اشرا مىى

توانیمدرانطباق این عزیزان

باشرایط سخت اردو ،ودوری از

زندگی شہری وخا نوا دگــــــی

ببینیم ،جوا نا نی کهبیتردیــد

برای ما نویدتولدا نسا نها یسی

موحدو آزاده را به همراه دارد ،

بخصوص که درشرا يط فعلــــــى،

گرمای مردا دما ه وروزه هسای

ما ه رمضان، مزیدبرعلت میشود

جریا نهایی که سا زندگی انسان

رابدنیال دارد، ویرانیهارا

آبا دو (هما تروجودی آن حـــل)

مشكلات مردم رانيزحل ميكند

کمسعا دتی نیست ،خدا یــــــا ر

ویا ورشان باشد.

براستی قدم گذاشتن در

ضرورت عيني. . .

مقاومت در برابر این دسیسههای سرمایهداری وابسته واقدام به تشکیـــل ، حفظ وگسترش شوراهای کارکنان ضامسن رسيدن مستضعفين كاركربه حقوق صنغي _ سیاسی و اید عولوژیک آنهاست . ایسن عمل برای ادامه مبارزهای است که باسقوط دیکتاتوری آرایمهری، آغازشدهاست. و از نیازهای اساسی تداوم انقلاب مبردم است وضرورت تشكيل شوراها از بطنآن

در شرایط فعلی ومرحله کنونسی انقلاب ، برای تحقق خواستهای قانونی کارگران و کارمندان بایستی این دو در محل کار خود دست به تشکیل شــورا ی واحدى از نمايندگان واقعى خود بزنند. شورایی که بتواند پاسخگوی تمامینیاز_ های صنفی ـ سیاسی و ایدئولوژیک آنان

ضرورت شوراها در رابطه بــا راها ندازى صنايع وبهبودمديريت

دولت نیز بعنوان وظیفهای ملی و تعهدی که درقبالخلقایرانداردبایستی تمام کارخانجات سرمایهداری وابسته به امپرياليسم وصهيونيسم وهمچنين كارخاـ نجات سرمایهداران بزرگی راکهسالهای سال شيره جان مردم را كشيدهاند واقعا "

نماز وحدت…

قشونشرا بيا وردجلو ،حا لاكسه

ازپشت پرده می آید آشکار

بيايد، باهمه بايدبميريــم

يااستعماررادرتمام دنيــــا

اگرېجا ی خودننشیننده

دفن خواهیم کرد"

ملى نموده ، نمايندگان صالحي باماهيت مردمی برآن کارخانجات بگمارد .ازطرف دیگر شوراهای کارکناننیزباطرحخواست. های ساسی خود بایستی بانماینده دولت دراین کارخانجات و یا نماینده کار فرما در موسساتخصوصیکوچکبرخوردیحق– طلبانه در جهت رسیدن به وضعیعادلانه داشته باشند ،وهمگام با استیغای حقوق خود ، درجہت گردش چرخ صنایع کشور داشته باشند ، وهمگام با استیفای حقوق

ضرورت شــوراهــا در جهــت جلوگیری ازتلاشهای ضدکارگری

خود ، درجهت گردش چرخ صنایع کشور

افزایش تولید و بهبود اقتصاد کشور گام

سازنده بردارند .

آنچه ضرورت تشکل کارگران را در شوراها بیشتر میکند ، در رابطه باطرح-های خاصی است که امروزه در جامعهشکل میگیرد . هدف آنها ایجاد محدودیت و أعمال فشار بركاركنان وجلوكيرى زحركت جمعی آنها در مسیر خواستهاشانمیباشد نیروی ویژه که نمودی از آن و باصطلاح برای برقراری نظم در کارخانه است ، مورد اعتراض گسترده کارگران قرار گرفته است . محتوای این نیرو ، ضد کارگسری میباشد . تنها از طریق تشکل وهمبستگی کارگران و اقدام صحیح و قاطع شوراها_ ست که میتوان از سیستماتیک شدن جریان شدگارگری جلوگیری کرد .

گزارش سازندگی

درحين كا رتكميل شدوبا لطبع Tورد،ولی ارادهپرشورجوانان آنها را پشت سرگذا شته ومصممه اجرای طرح پرداختند ،کمبود ها ونا رسائیهای موجودباکمک های ذیقیمتی که مقا مـــات استان کردندتا حدی برطـــرف شده وهم اکنونیی تعدادی از خانهها كنده شده وبعضى از آنها نیزدیوا رچینی شان شـــروع گردیده است .

بطورمتوسط بین ۱۵۰–۱۰۰ نفرا زدانش آموزان در آنجا مشغول کا رهستند ،برنا مـــــه زندگی روزانهآنها ،ازساعیت ۵- صبح آغا زمیشود ،که پــس از ا دای نما زصحوورزش دستــــه جمعی وصرف صبحا نه ،سا عـــت ۷ صبح درمعیت سرپرستانشان به سرکا رمیروندوتا ساعت ۱بهکا ر میپردا زنددراین فاطهساعت ۱۰/۵ - ۱۰ رابه استراحت و صرف چای میپردا زند .بعدا ز انجامکا رروزانه وصرف نهار و ا دای نما ز ،برنا مه های فیردی وآموزشي جوانان شروع ميشود

مطالعاً تگروهی یا فـــــردی برنامههای آموزشی اردو، – استراعت وقدری با زی،مطالعه روزنا مەوبحثها ى جمعى،بقيـــه

جریا ندا رد ،ا عما زکا رزندگسی وآموزش ومطالعه وبى ترديسد این برنا مهها دربا لابــــردن روحیه جمعی بچه ها ورشـــــــدو ا يدئولوژيک ۲ نها نقش بسيــــا ر زیا دی دارد ،این را میتوان دربرخوردها وآظها رنظرها يشان بخوبی دید ،بخصوص کهعلیرغــم مشکلات وسختیها ی ا ر دو ، چــه ا ز لحاظ شرايط اقليمي، آب وهوا وکا رېدنی،وچهکمبودهـــــــا ی رفاهی و آموزشی، با علاقه و شور

البتهكسان زيادى پيدا ميشوندكه بعدا زمدتى توقف در ا ردومجبوربه ترک آنهستندولی عمدتا مشكلات ومسائل مختلسف منجملهوضع درسى وخانوادهاى آنها را به اینکا روا میسدا ردو كمتركسانى هستندكه عليرغسم انتقا داتشان،کا رکردی منفی برای اردومتصورباشند.

درهرحا ل،دراين گوشه از

درا ردوبرنا مههای جمعی

به کا رشا نمشغولند ،

گزارشی از بزرگترین.

عكس هركه درشرايط موجوددرراهايجاد ، گسترش و حفظ این قبیل شوراها واتحا_ دیدها سنگ بیندازد خون شهدای ما را پایمال کردهاست .

هوشیاری انقلابی نمایندگان

آنچه این اتحادیه را نویدبخشتر میکرد ، هوشیاری انقلابی برخی نمایند_ گان بود .یکیازآناندربارهضرورتاتحاد و تشکل درشوراها از روششهدای انقلاب و تجربه آنان سخن بمیان آورد ، نماینده ــ ای دیگر هوشیارانهمیگفت: ما به عناصر وابستهبر ژيم سابق واجير شده کار فرما های آریامهری اجازه نمیدهیمکهما را ازبیسن ببرند ، یا اتحاد ما را از ماکرفتمو متلا_ شيمان كنند . اگركارفرماها بخواهندكنگره و تشکیلات ما را بهم بزنندباشد ،بیایند این کار را بکنند ، ولی بدانیدکهبه مولا

آشكار شد كهنمايندگان بهيچوجه حاضر نبودند از خواست خود مبنى برفعاليت شورائی ، ونه سندیکائی ، که صرفا "صنغی باشد ، عقب نشيني كنند . واين نشان _ دهنده درک عمیقکارکنان از تغاوت شورا ــ ها و سندیکاها بود . براستی طرحشوراها علاوه برداشتن مزایای طرح سندیکائی، از ویژگیهای سیاسی-ایدئولوژیک نیسز

اساسنامه وقطعنامها تحاديه ،رهنمودي برای کارگران سراسرکشور:

برخورداراست.

دراین مجمع ، شورای مرکزی اتحادیه دبیر اتحادیه و . . ، انتخاب شده وپس از تصویب اساسنامهوقطعنامه ،ا دامهکار_ های اتحادیه به آینده موکول شد .

اساسنامه وقطعنامه اتحاديه شامل اهداف مترقى با مضمونى انقلابى وآمو-زنده بود ،که بترتیب بهبررسی میپردازیم:

اساسنامه اتحساديه

اتحاديه شناخت و تضمين حقوق اجتماعي ، صنغی ، فرهنگی اعضا وهمچنین متشکل ساختن وجهت دادن وهمآهنكي فعاليتها ي اجتماعي وصنغي وفرهنگي اعظ درجهت تقويت وپشتيباني ،ازحركتها و خواستهای انسانی جامعه ، و نیسز دفاع وكسب حقوق اجتماعي وصنغى وفرهنكي اعضاء براساس موازین اسلامی ، بــرای دست یابی به جامعه بی طبقه توحیدی

" تلاش درجهت ایجا دصنایع ملی وصنعتی شدن واقعیکشور ، وازبین بردن وابستگي تکنولوژيگبهکشورهاي خارجي ، وبطورکلی مشارکت موثر در سیاستها و خط مشی های سازمان گسترش و نوســازی صنایع ایران، و شرکتهای تابع ووابسته، وهمچنین مشارکت در انتخاب مدیران و

مسئولان وادارها مورشركتهاى تابع ووابسته تضمین حقوق سیاسی ،اقتصادی۔ اجتماعي و فرهنكي اعضاء شوراهابعنوان هدف اتحادیه ،بیانگررشدکیغیجریانای کارگری از فعالیتهای صنغی و سندیگائی به شکل شورائی است .

حالب اينكه نمايندكان عموما بسر مضمون اسلامی شوراها تکیه میکردند .به روش شورائی اداره امور کهدرزمان پیغمبر (ص) و على (ع) پيادهشد ،استناد مینمودند . آنان تمامی تلاشهای رسمی و غیر رسمی راکه میخواهند کارگران راب فعالیت صنفی محدودکرده ،و ازحقــوق سیاسی ، اجتماعی و فرهنگی محرومکنند محكوم مبكردند .

ناتمام

فاطميه اميني

زنده وپرشوری داشت که هرگزنشانسی از ضعف ودلتنكي دراوبچشم نمي خورد ،او درپرتونگرش توحیدی خود ، مشکسلات و سختیهای مبارزهراازلوازم تکاملوارتقاء انسان می دانست ، درنامهای به یکسی ازشاگردایش چنین نوشت .

" خدا پرستان بایدازکشاکش روزگارخرسند بوده ، تحول وتلاطم آنرابخودتبريـــــک بگویند . زیراهرقدربشرپیش برودجریان

روزگار (باتقدیروخواستخدا) اورامحتاجتر ا مادەترونزدىكتربەسىردرطرىق حق مى نماید امیدوارم درمقابل (دشواریهای زندكى مانندكوه استواروپابرجاباشىوهمه آنهارابابينش بيشتروانديشه عميق ترحل نمائي، تابجائي برسي كمواقعا" احساس کنی هیچ ناراحتی نداری "

ناتمام

آنچه درگرمای ظهرجمعه ها را نشان دهند، دراین محیط صعیمی برادرانکارگر

وکارمند بدور از روابط فاسد و پرازسو ،-ظن دوران رژیم طاغوتی درکنارهــــم نشستند . آنان باحرکت در جهت کسب حقوق اجتماعي وشركت فعال درسرنوشت خود ، از یکطرف رشداجتماعی ،وحـدت وتشکل خود را نثان دادند ، وازطبر ف دیگر شکرانهمیرات خونبار شهدای انقلاب را بجاآوردند، زيرا كههدف از انقلاب وشهادتها شكوفائي خلق مستضعف بود . و امکانات ونعمت آزادی فراهم گشتهنیسز هدیه شهادتها ،اسارتها ، شکنجهها ،و رنجهای گذشتهاست . باشد که با بهره _ گیری هرچه بیشتر از امکانات وشرایط اجتماعي ،رنجبران جامعه بيش ازپيش شكوفاشوند و تشكل وانسجام يابند ،بر

ا میدا ست یکبا روبـــرا ی همیشه شعارهای تاریخسـاز حضرت آيت الله طالقانييرا آویزه ^و گوش خـــود کنیــم شعارهایی که براستی رمــز وحدت تما می نیروها ی خلـــق دراین مرحله ٔ سرنوشت ســاز جا معه متلاطم ما می با شــــد باشدتاباارائه شعارمرگ بسر استعمار، استبدادواستثمار همه شعارهای انحرافی دیگر راكه مضمون تفرقه اندازى ما روش مقابله با أنها رأ ميدانيم .

نمود دیگر این هوشیاری وقتیی

صفوف فشرده جمعيست ميليونى مردم آنرانشان دا دادریک کلام نما زوحدت ناشی ا زنیــــا زبــه یکپا رچگی ووحدت بود ،بقـــول آیه الله طالقانی وحدتی که

عکسی ازمراسم نمازجمعـه کهدردانشکاه تهران برگزارشد. دراین مراسمبا شکوه ،شا هدشرکت صدها هزا رنفربودیم .

Tیت الهطالقانی همبستگی همه ٔ مردم را درمبا رزه با امپریالیسموصهیونیسم خواستارشـــدنــد.

دا ردا زسرراه برداریم .

من پیرمرد، من ضعیف مـــن از درون دلها ووجدانها سرچشمه مریض مسلسل بدست می گیسرم پشت تانک می نشینم ، امام خمینی هم خواهدکرد، اوهــم

> گروهها واقشا رخلق را بشركت Tزادانه درانتخاباتی کهدر پیش ا ست دعوت کردندتا ر مـــز اتحادكه رمزپيروزى مابسر امپریالیسم آمریکا و دیگر دشمنان مردم محرومومسلمان جهان است درمیانمان باقی

پشت تا نک می نشیند." ایشان هم چنین تمامی

بماند.

قطبهای مسلط قدرت) آنچنان همآهنگس

ضرورى تريافتيم ، زيرا ازپيش روشناست

که باتوجه به ضعف کمی وتشکیلاتی نیروــ

های آگاه وانقلابی درسطح جامعه ،هر_

گونه تلاش فرضی برای رایجمع کردننیز

نميتواند تأثير تعيين كنندهاى درنتيجه

آراء بسود ما داشتهباشد ، بویژه که مـا

هركز نيمتوانيم درمسيرجلب آرااازاصول

شرکت کردن ما را در انتخابات مرجح و

اجتناب ناپذير نمود بطور خلاصهازايين

اللام راحتين _ براى اينكه درميان انبوه

آنچه بنام اسلام وقرأن عرضه میشود، حق

را ازباطل وانقلاب را ازضدانقلاب مجزا

کنیم ، لازم است باتوده های مردم از یک

موضع فعال مواجهشده ،وحقايق امور رابأ

آنها درمیان بگذاریم . بعبارت دیگر ا ز

آنجا که تدوین یک قانون اساسیکهمطابق

با ایدهآلها و راهحلهای حقیقتااللامی

باشد كار فوق العاده خطير وسرنوشت سأ

زی است ، انقلابیون مسلمان نیمتوانند

سالیان دراز بردوش آنان سلاحمیگذاشت

اکنون قلم در گفشان میگذارد ویاآنهارا

به پشت بلندگوها میکشاند . آنهاوظیفه

دارند تا در قبال قوانین سرنوشتساز و

اساسی ، ارزشهای مکتبی را دروسیعترین

سطحممكن بمهرصورت ارائهكنند . براي ما

قبل از آنکه مساله این باشدکهاین ارزشها

بصورت قوانين مدون ومصوب وپذيرفشه

شده درآید ، آشنائی تودههای مردم با

این ارزشها مطرحاست، بدین ترتیب

بجای آنکه به قیام و قعودهای پارلمانی

و یک چند نیزخلاف آنراتصویب میکند)

چشم دوخته باشیم به ارتقاء وجدان و

آگاهی تودهای نسبت به ارزشهای رستگاری

بخش اسلامي نظرداريم . همان ارتقاء

سطح شعور و بینش اجتماعی _ مکتبی که

در مسیر افزایش خودسرانجام آن شرایط

ذهنی را که لازمه یک انقلاب پیروزمند

حقيقتا "اسلامياست، تدارك، خواهدديد،

انقلابي كه موانع راهكمال اجتماعي وفردى

نوع انسان را یکی پس از دیگری تاوصول

بعكس همان ضرورتهائي كهدرطي

دراین رابطه بی تفاوت باقی بمانند .

بهرحال دلایکی که بالمجمروع

۱ _ پاسداری از ارزشهای مکتبی

مكتبى و انقلابي خود عدول كنيم .

شركت درانتخابات مجلس بررسي قانون اساسي

بهترين نحوة تشكيل مجلس بررسي قانون اساسي ازطريق شوراهاي مردمي است شركت فعال نيروهاى انقلابي ، آنها را ازخطرسكتاريسم و پرت افتادت ازتودههاى مردم دورخواهدساخت

> شركت درانتخابات مشروط برحق استفاده متساوى ازراد يوتلويزيون براى تبليغات انتخاباتي كلية احزاب وكروههامي باشد .

> > دراین بیانیه پس ازتشریحاهمیت تعيين كننده وسرنوشت ساز قانون اساسي نقطه نظرهای اصولی خود را درمورد این مساله بيان نموده وشقوق مختلفي نيسز برای نحوه انقلابی تصویب آن عنوا ن كردهبوديم ،ايننقطهنظرهاوراهحلها ي مختلف که امروز نیز نمیتوانهیچخدشهـ ای برآنها وارد دانست بطور خلاصه بــه شرح زیر بودند:

۱-آن قانون اساسی که میخواهد اساسيترين ومهمترين اصول وروابط حاكم برتمامی خلق رامشخص کند، تنها بااشتراک نهایندگان آنخلق،قابلپیریزی ست . و الا ازامالت ، مشروعیت و حقانیت مكفى برخوردارنيست .

۲- پیریزی چنین نظامنامهای تنها درعهده یک شورا یا مجلس تمام خلیق ا ست کهگاه موسسان نیز نامیدهمیشود .

درهمین رابطه بایستی ازرسالت ومسئوليت مضاعف مجلس مور دنظرامروز کشور مانام برد ،کهبرحسبنتیجهدرخشان رفراندوم ، پیریزی نظامی براساس اسلام را ازجانب این خلق قهرمان بر عهده

٣- بهترين نحوه تشكيل ين مجلس ازطريق شوراهاىمردمى است كهمى بايست در سراسر کشور تشکیل شود .

۴ در صورتیکه برپائی این شوراها فعلا " مقدور نباشد ، تنهاراه حل بالنسبه عادلانهایکهباقی میماند ، تشکیل مجلس موسسان ازطريق انتخابات عمومي سراسرى

علاج قطعی در دهای میهن؟

البته اين نقطه نظرها وراه حلمهاى مختلف درصورتي اعتبار دارند كهماخودراالزاما به تسریع درگدراندن قانون اساسسی موظف بدانيم ، حال اينكه به اعتقاد مجاهدين خلق ايران تصويب يكقانبون اساسی حتی در بهترین صورت ممکننیز علاج قطعي دردهاي اينميهن وضعفهاي انقلاب نیست ، چراکه رنج اصلی ایسن میهن ستم زده در درجهاول نهبدلیـــل فقدان مقررات بوده ابلكه بخاطرريشهكن ناشدن امپریالیستهاوپایگاههای ارتجاعی داخلی آنهاست ، یعنی همانکسانی که هیچ قاعده وقانونی را جز چپاول وغار۔ تگری نمی شناسند ، علیهذا درد اصلی نه درد بی قانونی ، بلکه درد قانون شکنی است . وبه همین دلیل تاریشهکن شــدن كامل استعمار وطبقات وسهادها وتمايلات أمبرياليستي ، ما به هيچوجه تدوين قانون اساسي رايك امر مبرم وبلادرنگتلقسي

بیانیه مورخ ۱۷/خرداد/۵۸ د ر اینباره چنین میگوید: " بنظر ما اگرکسی بگویدتا پایان موفقیت آمیز مرحله بعدی انقلاب، یعنی تا محو کلیه آثارستم امیر یالیستی و وابستگیهای استعماری درهمه سطوح نظامى ،سياسى، اقتصادى وفرهنكى وغیره ، نیازی به موسسان وقانون اساسی

جدید نداریم ، استدلال درستی است . چرا که اول باید همه پایگاههای نفو ذ استعمار را در میان مردم از بین برد ، و آنگاه فارغ از هر فرد و گروه وابست. ب استعمار ، وعارى از هرتمايل ارتجاعيي به تصمیم گیری در مزرد ضوابط اساسی حاکم بر حیات مردم پرداخت. "

است ، چراکه استعمار وپایگاه طبقاتسی و کارشکنانه خود را برهرگونه مجلسس و قانون اساسى كه بخواهد درچنين فضائي تصویب شودبرجای خواهد گذاشت.

حتى وقتى خود امپرياليستهاي مريكائي میخواستند در ایرانطرحاصلاحاتارضی را بمنظور امحاء فثوداليزم ، و ميسدان دادن به سرمایهداری وابسته بخودشان، ازطريق مجلس وقانون پياده كنند ،موفق نشدند . بهاین معنا کهانتخابات و مجلس دوره بیستم قانونگذاری در ظرف کمتراز ٩ ماه دو بار با توافق آنها باطلومنحل اعلام گردید. (یکی در زمان اقبال شهریور سال ۳۹ودیگری درزمان شریف امامی اردیبهشت سال ۴۰) ابطــال انتخابات اقبال وانحلال مجلس شرييف امامی صرفنظر از نارضائی عمومی ، تاآنجا که بخود امپریالیسم آمریکا مربوطمیشد ، ناشي ازآن بود كه نغوذ وتاثير فئودالها بر انتخابات و مجلس بحدی بود کهپیش بردن طرح اصلاحات ارضی را ازطریسق قانوني وبارلمان معمول ناممكن ميساخت بنابراين مجالس قانونكذاري تاسقسوط كامل فئوداليزم وبعد ازپانزدهم خرداد تعطيل ماندند،

ملاحظه ميكرددكه درصحت واصالت نقطه نظرهاى اصولى فوق الذكرهيج ترديدي

لكن با اينهمه ، به دليل مجموعه اوضاع و احوال و شرایطکنونی ، بسرا ی شرکت فعال در مجلس خبرگان یابررسی قانون اساسي (كه از حداقلخواسته عسا نیز بسی پائین تراست) نیزا علام آ مادگی نمودهوبه معرفى كانديداهماقدام كردفايم مشروط براينكه حقوق زيراز جانب دولت تضمين گردد .

احزاب وگروهها .

دلایل ما برای شرکت در انتخابات مجلس بررسي قانون اساسي ومعرفى کاندیدا ، علیرغم تمام محدودیتها ی موجود و عملكرد مستقيم وغير مستقيـــم گروههای فشار ، در این جمله خلاصسد ميشود كه : با توجه بتمام اوضاع واحوا ل

سیاسی واجتماعی حاضر ، در مجموع شركت كردن خود رابرشركت نكردن مرجع یافتیم ،بهآنحد که حتی ناگزیر شدیـــم برای گام برداشتن در مسیر وحدتسیا_ سیگروههای ترقیخواه مسلمان ، فهرست مشترک از کاندیداهائی را بپذیریم ک بعضا" (بدلیل نحوه برخوردشان,___ا

اجتماعی و ایدئولوژیکی با ما نداشته ،و دلیل این مطلب نیز بسیار روشن عليهذا چندان موردقبول طرفدارانما ن نبودند ، لیکن ما بدون اینکهقصدمعامله ریشهکنناشدهاش ، طبعا" اثرضدانقلابی یا رای جمع کردن هرچهبیشترداشتهباشیم پدیرش یک فهرست مشترک را در رابطه با كلمنافع انقلاب ايران ، در شرايط موجود

اهمیت این مطلب بحدی است که

چرادرمجلسخبرگانیابررسی قانون اساسى، شركت فعال ميكنيم

الف _ حق نظارت بر نحوه رای _ گیری و حفاظت ازصندوقهاوشمارش راء. ب _ حق استفاده متساوی ازرادیو و تلويزيون براي تبليغات انتخاباتي كليه

ملاحظه ميشودكها نقلابيون مسلمان نميتوانند چنين فرصتهائىرا هرچنــد ناچيز ومختصر ازدستبدهند .بنابرايس بگذار تا تودههای مردم بویژه طبقـــات محروم و قشرهای جوانوبالنده باحقیقت اسلام هرچه بیشتر آشنا شوند .ومدعیان کاذب وریاکار را ازرهروان راستین بیش از پیش بازشناسند.

وقتی ما بفرجام پیروزمنداین مبارزه عادلانه ايدئولوزيك مطمئن هستيم ،وقتى میدانیم که همه انواع اسلامهای ۱ شرک آميز و طبقاتي و آميخته به جعلوتحريف سرانجام مغلوب اسلام واقعى ءابراهيمي محمدی ، علوی ، حسینیو . . . میشوند ، پس دیگر از ورود بهاین مبارزهچهباک ؟ بىجهت نيستكهرا ستكرايان و مرتجعيس ترجيح ميدهندكه عنصرموحد مجاهددم فروبنددوصحنه رابه تمام وكمالبرايشان خالیگذارد .

اینجاست که برای ورود هر چــه فعالتر به صحنهماناگزیرمیشویمکه بسرای خنثی نمودن توطئههای رتجاعی ،کـــه تلاش داردمارابهانزوا بكشاند ،درصحنــه سیاسی دست به پیوندهاو ائتلاف تسی بزنیم که چهبسا در مواردی و از جهاتی کمال مطلوب نیاشد اما بطور نسبی می۔ توانند تهدید اصلی (خطر راست) را خنثي و يا كاهش دهند.

۲ پاسداری از دستاور دهای انقلار بی و بسیج تودهای ــ درحالیکه رفرمیسم و سازشکاری با مضامین ارتجاعیشان تلاس دارند که انقلاب و دست آوردهای انقلا ــ بی رابی اثر ساخته ، وانقلابیون را بترک صحنه واداركنند ،درصحنهسیاسینیزما مجاز نبوده ونیستیم که میدان نبسرد را خالی گذاریم ،اگر چه بروشنی میدانیــم که دریک مبارزه ومسابقه نابرابرسیاسی-ایدئولوژیک واردشدهایم که شرایطوقوا_ نین آن را ماتعیین نمیکنیم ، اما همین امكانات وفرصتهاىفوقالعادهنا چيزىنيز که میتواند در اختیار ما قرار گیرد بازهم در درازمدت آنچنان تاثیراتی دارندکه نميتوان ازآنها صرفنظر نمود .

* ۳- پاسداری از آزادی _اعتقاد

بهاصالت آزادی انقلابی ، در رونسد تكامل فردواجتماع ايجاب ميكند كمبراي احراز آن هرفرصت وامكاني را مغتنــــم بشماریم ، وبه اکتساب آن به هرصبور ت اقدام كنيم . ما اعتقاد داريم كه بدون آزادی واحترام به اختیار وحریت بشری هیچ فضائی برای تداوم انقلابوتکامل فردو اجتماع باقى نەيماند ، بنابرايىن انقلابيون مسلمان نميتوانند دراين رابطه هیچ فرصتی را نادیده بکیرند ، اگرچه این فرصتهابا دیوارهای بلند انحصار طلبي سخت محدودشده باشد . بويژه كه میدانیم چنین دیوارهائی هیچگاه بدون شكاف وفارع از تناقض و تضاد نيست.

۴ _ پاسداری از جنبههای وحدت (که بک چند ارزش و قانونی رامیپذیرد ضدامپریالیستی با دولت حاضر ـ ازانجا که تفاوت دولت حاضر با نظام گذشته نیازی به تشریح ندارد ، ماخودراموظف میدانیم تا وقتی که امکان تاثیرگذاری دموكراتيك وأنقلابي بروضعيت موجوداز ماسلب نشده ، برجنبه های وحدت ضد_ امپرياليستي خودهرچهبيئترتاكيدنموده و دراین رابطه تآنجاکه امکان داشته باشد موضع فعال و مثبت بگیریم . اگرچهمی-دانیم که این فعالیت لااقل در مقطع حاضر نتايج چندان چشمگيري نخواهد به قله رهائی و یکانگی از میان برخواهد داشت.

۵ ـ پاسداری از وحدت نیروهای ترقیخواه مسلمان ــ ضرورت حرکت هــر چه سریعتر بجانب قوام وحدت ضــد ــ استعمارى تمام نيروهاى خلق بطوراعيم و نیروهای ترقیخواه مسلمان بطوراخس نیز شرکت فعال ما را در انتخابات اقتضا میکند . توضیح اینکه ایستادگی ومقاومت در برابر اردوی راست که میرودتانهتنها خود بلکه اسلام وانقلاب و رهبری رانیز مخدوش وبى اعتبار سازد، درقدم اول تنها و تنها باهم آهنگي و عملكرد متحدجناح انقلابي و راديكال و ترقى خواهمسلمان امکانپذیراست. واینهم چیزی استکهدر چهارچوبهائی نظیر همین مسالمانتخا۔ بات میسراست . یعنی برسرمسائلیکــه هر نیروئی ناگزیر به موضعگیری است.که ضرورت موضعگیری ، ضرورت ایجادو یا نفی یک سری رابطهها را (درجهتوحدت با نیروهای نظیر و درجهت بریدنودور شدن از نیروهای ماهیتا "متخالف)پیش روی میگذارد .

اکنون با توجه به مواردفوق میتوان نتیجه گرفت که دیگر عدم شرکت در انتخابات بهیچوجه قابل قبول نیست . به بیان دیگر وفاداری به وظایف و رسالت های مرامی و انقلابی شرکت هرچه فعالتر سا را اقتضا میکند ، بخصوص که معتقدیـــم شرکت فعال نیروهای انقلابی صرفنظر از اینکه آنها را از خطر سکتاریسم و پرت-افتادن از تودههای مردم دورخواهد ساخت ، جریان افشاء ماهیت ریاکارانه و انحصارطلبانه مدعیان کاذب اسلام و مردم را نیز تسریع خواهد نمود .همانها که متاسفانه در زیر لوای انقلاب اسلامی و رهبری نقلاب از هیچ فرصت طلبی قشريت ابائي ندارند وامام نيز بارها نارضایتی خود را از این موضوع ابسراز

گذشته از اینها خلق ما باورود در یک تجربه انتخاباتی میتواند در صد اصالت آزادی ها را محک زده ، واز ایس ميان متناسبترين راههارا براى استمرار انقلاب خود برگزیند.

مجاهدين خلق ايران ۳۱ / تیرماه / ۸۸

فهرست نامزدهای مشترك

مجلس بررسی قانون اساسی در برخی استانهای کشور .

جنبش _ جنبش انقلابی مـــردم سلمان ایران (جاما)۔ سازمان اسلامی شورا (ساش) -سا زمان مجا هدين خلــق ايـــران Tذربا يجان شرقى:

۱- آقای احمد حنیف نژاد ۲_ آقای حسین خسرو شاهی ٣_ آقای حاج موسیی شیخ _ زادگان

خـرا سـان:

1- آقای طاهراحمد زاده ۲_ آقای منصور با زرگان ۳_ آقای دکتر محمود_ دل آسائی

۴_ آقای دکترسیروسسها بقیهدرصفحه ٔ ۸

قانون اساسى وحياتي ترين مسائل جامعه

قوانین اساسی برکل روابط و مناسبات بین مردم حاکم است

قانون اساسی برپایه دیدگاه ایدئولوژیك ونظرگاه اسلامی تدوین می شود ، اهمیت آن دوچندان می گردد .

نظری گذرابیه تمامی
سیستم های اجتماعی ، بخوبی
نشان میدهدکه هــرسیستـــم
اجتماعی (باهرمضمـــون ــ
ومحتوای اقتصادی ـ اجتماعی)
برای تثبیت حاکمیت خودش ،
وبرای اجرای برنامه هــاو
اهداف موردنظرش ، ناگـزیــر
ازتنظیم وتدوین قانون اساسی

زمانیکه انقلابی واقعا" به پیروزی میرسد، نظامـــی کہنه درهم می ریزد، ونظامی نویسن میخوا هدجا یگزیسن آن شود ؛ این پایه گذا ریوبنیا د ریزی نظام جدیدا زطریــــق تصویب مجموعه ای از اصــول وقوانين تعيين كننده صورت می پذیرد، که برکل روا بــط ومناسبات (اعم ازحقوقی ، سیاسی و . . .) بین مردم حاکم است ، به همین دلیل قانون اساسی " نام دارد، بنابــر این قانون اساسی پیوش وچها رچوب حقوقی وقا نونــــــی حاكميت يك سيستم اجتماعي راتشكيل ميدهد، واين سيستم بدينوسيله بخودمشروعيست بخشيده وعملكردهاى خودرااز اعتباری قانونی برخــوردار

اهميت قانون اساسي

قانون اساسی مشتمل ہــر یکسری قوانین واحکام اساسی وبنیادی است ، که کلی ترین قوا نين وضوا بط يک سيستــــم اجتماعی مشخص (مثلاًسرمایه ـ داری) را منعکس می سازد ،به عبا رت دیگرسرا نجام تما مسی قوانين وضوابط حقوقى سیاسی ، فرهنگی ، آموزشی ، و بنحوی از انحا ٔ ازقا نون ا ساسی ناشی می شوند، یادر حقيقت قانون اسا سسى حیاتی ترین سندسیا ســـی ، اجتماعی ، اقتصادی ،،،،،، موجوددریک کشوراست که همه مسائل ومشكلات ديگربا ارجاع به آن حل می شوند،

قوانین اساسی به هیچ وجه در زمرهٔ قوانین عاری نیستند بلکه منبع استخراج وروح – حاکم برقوانین عادی میباشند به عبارت دیگربرای قوانین معمولی نقش " مادر" رابازی معمولی نقش " مادر" رابازی معمولی ازقانون اسیاسی معمولی ازقانون اسیاسی میگیرد، به همیسن دلیسل درحالیکه درقوانین معمولی از "ماده" ۱و ۲و ۳و ۰۰۰ صحبت می شود، درقانون اساسی به

وچندانهی گردد. جای ماده با "اصل" مواجهیم مانند" اصل" ۱و۲و۳ و ۱۰۰ ین نیزروشن است کیم تمیام مصوبات قانونی مجالیس قانونگزاری بعدی تا آنجیا اعتبارونغوذ دارد، کیسیه

مخالف اصول قانون اساســـى

نباشد، والأخودبخودمنتفـــــى

پس مبالغه نیست اگرگفته شودکه قانون اساسی بنجیوی ازانجا، با سرنوشت وآینیده تما می افرادیک جا معه مشخص (نه تنها نسل حاضر، بلکه نسلهای بعدی) درارتبیاط است ، زیرا ازطریق قوانینی که قدرت حاکم براسیاس آن تنظیم میشود، تما می افراد و آحادیک جا معه درقیدوبنید قوانین وضوابط خاصی قیرار می گیرند، وازا مکانیات حقوقی ویژه ای بیرخوردار

میشوند،
دراهمیت قانون اساسیی
همین بس ، که مهمتریسن
مسائل حیاتی یک مملکت نظیر
حقوق ملت ، اختیا رات دولت
قوه قضائیه ، رابطهٔ ملت و
دولت ، نحوهٔ انتخابات و
قانونگزاری و تماما " به
وسیلهٔ آن تعیین میشود .

بدلیل همین اهمیت است که مجالس قانونگزاری معمولی (غیرا زمجلس مؤسسان) ازتغیر دادن ونسخ بافسخ حتی یکی ازاصول قانون اساسی نیسز عاجزبوده ، وبرای تغییر آن مجدداً بایستی مجه یک مجلسس مؤسسان جدیدرجوع کنند.

تدوین قانون اساسی برپایه یك اید تولوژی

مسئلة تدوين قانون اساسی زمانی اهمیت بیشتری پیدا میکند، وضرورت برخورد باآن جدی ترمیشود، کے ما بخواهیم قانون اساسی را در رابطهٔ بایسک دیسدگساه ايدئولوژيک ونظرگاه فلسفي مشخص اسلامي مدون نما ئيـــم. اينجا ديگرگذشته ازتــدويــــن قانون اساسی باتمامویژگیها ومسائلی که بدان اشاره شد، (بطورعمده ارتباط آن بـــــــا سرنوشت وآينده تمامَى افراد جامعه) ، درحقیقت یـــک ایدئولوژی ومکتب است که به محک آ زمایش گذاشته میشود ، تا درجریا ن عمل ودربرخسورد با مسائل ومشكلات پيچيـــده اجتماعي امتحان خودرا بـس دهد، زیراسرانجام معیسار

ا ما لت یک ایدئولوژی ودرست

وغلط بودن (واقعی یاغیــر واقعی یاغیــر واقعی بودن) تبیینــات فلسفی آن ، عملکردهــای اجتماعی اشمی باشد.

تدوین قانون اساسسی در شرایط اجتماعی خاص درمیهان ما ، ازچنین ویژگی برخوردار است ، زیرااکثریت کسانی که میخواهنددست به تدویات اسلام تلقی شده ، ومیگویند که براساس اصول وموازیان اسلامی چنین کاری راانجام خواهندداد .

اسلامباچهرهاینو

ايدفولوژي اسلام وسنسن انقلابی آن درمبارزات اخیسر مردم ، که منجربه سرنگونی رژیم ضدخلقی شاه شد،نقسش مؤثری ایفاکرد، این تأثیسر گذاری باندازه ای بسودکسه باعث شدكه اسلام با چهره اى نوومتفا وتبا گذشته ،درصحنه ا جتماعی ظاهرشود . (حتی در سطح بین المللی) .درمیان قشرجوان وروشنفكرجا ذبه اى نووتا زه ایجا دکرد .بسیاری که بعلت عملکردهای مذهبب موجوددرجا معه نسبت به مذهب واسلام بدبین شده بودنــد ، گرایشی نسبت بــه ایـــن ایدئولوژی پیداکردند. زیرا بعدا زظهورسا زما ن مجا هدیــــن خلق درپہنے میا رزات۔ اجتماعی خلق ما ، آن هم با وواقعی اسلام ، (که تصویـــر انقلابی اسلام راعرضه میکرد) این درحقیقت ظهوری بودتا زه ومجدددرصحنا مبارزات اجتماعی (۱)

پس درشرا یط حاضرا زاسلام
سخن گفتن وتحت نام آن بــه
تدوین قانون اساسی نشستن ،
گذشته ازمسئولیتی که خــود
تدوین قانون بعهدهٔ مـــا
گذارده باراین مسئولیت را
چندبرابرمی کند.

درست است که هرگونـــه عملكردا رتجاعي ونا درسيت زیرلوای اسلام ، نمی توانید به اصالت این ایدئولـــوژی خدشه ای واردکنند، ولیی در شرايط حاضركه خيلى ازنيروها (چه درداخل وچه درخارج) چشم به این تجربه تــازه دوخته اند، اگرقوانینی کے تدوین میشود ،نتوا ندمسا ئــل ومشكلات اجتماعي حال وآيمده رابطورانقلابی واساسی حل و فصل نماید،نتیجه اشچیسزی جزضربه ای مجددبرپیکرایسن ايدئولوژى وتا ئيدىبرنظرات کسانیکه این ایدئولوژیرادر ردیف سایرا یدئولوژی هــــا ی میرای طبقاتی قرارمی دهند، نخوا مدبود ، چون برای کسانی

که به اسلام اصیل وواقعیی

آشنائی کا مل ندا رند ،عملکرد کسانی که ادعای اسلامداشته و ازقدرت سیاسی برای پیاده کردن نظراتشان برخوردارند، بهرخال ملاک ومعیا رقضا وت ترارخواهدگرفت ،

تفاوت كذشته وحال

درگذشته بعلت حاکمیت رژیم دیکتا توروخودکا می ، طبعاً امكان پياده شدن اسلام اصل وواقعی،بسادگی فراهم نبود ،درنتیجه عملکردهـای ارتجاعي ونادرست تحت پوشش اسلام ، ضربه ای سنگین بــر پیکراین ایدئولـــوژی وارد توجیه بود. ولی درشــرایـط حاضرکه دیکتا توری ساقط شده است ، اگرقوانین تدوین شده مطابق با روح وجوهرا سلام اصِل وواقعی نباشد، طبعا" آثا رزيانبا رومهلک خصودرا خوا هدگذا شت . لذا هيــــــج زمینه ای برای توجیه چنین عملکردهائی درپیشگاه خدا و خلق وجودنخوا هددا شت .

درهرصورت توده های مردم حمايت بيدريغ خودرا نثـــار کسانی می کنندکه می خواهند حكومت عدل اسلامي را درعمـــل پیاده کنند، امااین حمایت يابه دليل اعتمادی استكه به آیه الله خمینی داشته و یا به دلیل انتظاری است که ا زحکومت عدل اسلامی دا زند ، وآنرا دررابطه باالگوهای چنین حکومتی نظیرحکومــــت پیا مبر ، حضرت علی (ع)و می بینند ،ولی اگــراز ایـن اعتما دوحما يت درجهت برآورد كردن خواست ها ونظرات مردمو پیاده کردن اسلام اصیال و واقعی استفاده نشود، ایــن حمایت سرانجام به ضـدخودش تبديل خوا هدشد .

اگرجمهوری اسلامی کهرای قاطع واکثریت مردم به آن داده شده، درعمل به حاکمیت طبقه ای برسایراقشا روطبقات اجتماعی تبدیل شود، واگر توجیه ومشروعی تفشا روبهره خفقان وطبعا " استثما روبهره می توان انتظارداشت که باز مددم (حداقل درکوتاه مدت) آنچنان که بایدبه اسلام اعتمادکنند.

مستوليت وانتظارها:

بخاطردرک همین مسئولیت تاریخی عظیم است که مجاهدین خلق ایران بیرعهده خود میدانندکه درتدوین قانون اساسی جمهوری اسلامی که یک سندایدئولوژیک وتاریخی است نقش فعالی بعهده بگیرند.

برای ما مسأله این نیست که همین امروزنقطهنظرهایمان بمورت مصوبات قانونی وارد متن قانون شود .چراکه بخوبی میدانیم که تاچنان موقعیتی

که اسلام واقعی وراستین قابل تصویب وتا ئیدبا شد ،هنـــوز فاطه زیادی باقی مانده است بهمین دلیل ما ازشرکت فعال خود، عملاً چیزی بیاش از -با رگوئی موضعگیریها یا نقلابی اسلام ، براساسی تزین مسائل حیات ومعاش مردم ، انتظاری نعی بریم . بگذا رآنهاکے ميخوا هندبشنوند ،ومهمتـــرا ز همه گوش شنوای تا ریخ، آنچـه بایدطنین افکند .باشدکه اگر چه درفعل وانفعالات سیاســی واجتماعي امروزايين ميهـــن تأثيرتعيين كنندداى نداشته باشد، ولی مسیرفردا راروشن سا زد .

(۱) : آنهمباتوجهبه اینکهبعد ازضربه ٔ خیانت با را پورتو -نیستهای چپنما ،بسیاری از روشنفکران اعتماد خصود را نسبت باین ایدئولوژی وعمل کردانقلابی آن ازدست دا د ه بصودند ،

آیتاله طالقانی درمراسیم

تقدم منافع جنبش برمنافع گروهی

"فتقطعوا ا مرهمبینهم زبرا " ،کل حزب بما لدیهم فرحون،فذرهم فی غمرتهم حتیی حین " (سوره مومنون آیه ۵۳) بگذا ردرگردا ب خودشا نیبیچند یکوقت متوجه میشوندکه همه چرز را ازدست داده اند

کاری کنیم که در ایسن
مقطع تاریخ نگوئیدفلان حزب
خیانت کردوحرکت را متوقسف
نمود ۱۰ نقلاب را منحرف کسرد ۰
فلان جمعیت چنان کردعمرما در
مقابل عمرتا ریخ ،چیزی نیست
بایدخدا را درنظردا شتهبا شیم ۰
وجدان عمومی ونسل آینده را
درنظردا شتهبا شیم ۱۰ نیما همان
طوری که ما گذشتگان وزندگسی
آنها را تجزیه وتحلیل میکنیم ،
اعمال ما را تجزیه وتحلیل میکنیم ،
خوا هندکرد ۱۰ رینکنیمکه مورد
نغرین آنها واقعشویم .

۳۰ تیــر ۳۰۰۰

اصولكلىياجوهروروححاكمبرقوانين چیست و شناخت آن چه اهمیتی دارد

اصل اساسی سیستم ، قضایای هند سیسی

موجود قابل توضيح و تغسير نمي باشند .

نبزوضع به همین ترتیب است بطورمثال

دریک جا معدسر مایدداری با مسائل مختلفی

مواجهیم : از نابرابریهای اجتماع

گرفته ، تا فساد وفحشا ، مناسبات کالائی

بیبندوباری ، ازخودبیگانگیو ، . .طبعا "

هرکدام ازمواردفوق به مثابه مظاهری از

این سیستم اجتماعی ،میتواندتااندازها ی

گوشههائی از آن رابرای ماروشن کند .ولی

تنها زماني ميتوانيم اين نمودهاى پراكنده

رابههم ربطداده ،وتصویریکاملاز ایسن

سيستم اجتماعي ارائهدهيم ،كماصول

اساسی حاکم برآن (روحو جوهرش) ر ا

شناخته باشيم ، روح وجوهر مناسبات سر

مایهداری ، چیزی جز اصالت دادن بــه

سرمایه در مقابل کارانسان (اصالت ارزش

اضافی) و سودپرستینمیباشد ، برایسن

اساس دیگر مقولاتی از قبیل : از خود _

بيكانكي ، اصالت مالكيت استثمار كرانه

ابزار و وسایل تولید) ، مناسباتکالائی

، مغاسدر نارسائیهای اجتماعی و

نه به مثابه مسائلی مجزا وجدای ازیکد_

یگر مطرحاند . باکه دقیقا "در رابطه باهم

وحاصل و نتیجه مناسبات استثمار کرانه

(اصالت ارزش اضافی وسود) میباشند .

۲-چگونەيك قانوناساسى را

بخوبى پيداستكهاگرقانون اساسى

موردبررسي قرار دهيم.

بخوا هددررا بطهبا چنین سیستم اقتصادی

ــ اجتماعی مدون شود ، علیرغم تاکیدــ

اتی کهچنین قانونی بر آزادی های

دموکراتیک (فردی واجتماعی) دارد ،

ولی درنهایت جز وسیلهای درجهترشد

و گسترش مناسبات سرمایهداری نخواهید

بود ، بدلیل اینکه اساس چنین مناسباتی

براستثمار انسان ازانسان گذاشته شده

است ، لذا در اینجا عنصر تعیین کننده

ودارای ارزشو اصالت ، همان مناسبات

موجود است . در نتیجه آزادی هــای

دموكراتيك تا زماني قابل تحمل خواهد

بود ،که به اساس سیستم ضربه ای وار د

در چنین مناسباتی همگام با نوسانا ت

وضعیت اقتصادی _ اجتماعی ،بانوسانا_

تی در روند آزادی های دموکراتیک نیسز

که اصول کلی این سیستم ،یا جوهرو روح

آن را شناخته باشیم ، میتوانیم مسائل و

قوانین جزئی تر آن را موردبررسی قسرا ر

داده، وازكم وتيف آنها اطلاع حاصل

كنيم . بطورمثال درسيستمي كه اساسس

بر اصالت دادن بحقوق فردی (اندیو ـــ

يدوآليسم يا فردگرائي) است ، طبعــــا "

مالكيت (استثمارگرانهابزارتوليد)نيزبعثابه

دریک سیستم حقوقی نیزتنهازمانی

مواجه هستيم (٢) .

دریک سیستم اقتصادی اجتماعی

بدون شناخت جوهرومحتواى يك سيستم قانوني نمي توان مسايل جزئي وفرعي را بررسي كود. اسلام تكيهكاه اجتماعي خودرا درهر شرايط تاريسخي مستضعفين ميشنا سد.

ايدئولوژيبرت وبالاترازهمه چيز. صورتیکه در یک بررسی مجرد وجدای از

گفتیم که قانون اساسی به یک سیستم اجتماعی مشروعیت بخشیده ،وبآن امکان میدهد که عملکردهای مختلفخودرا،اعم از! اقتصادی ، سیاسی ، اجتماعی و . . . در رابطه با آن تحلیل و توجیه کنــد و گاه بدون کمترین واکنش اجتماعی (حد اقل درکوتاهمدت)،برنامههایموردنظرش را به مرحله اجرا درآورد .

حال میخواهیم به بررسی قانسون اساسی پرداخته ، وبه نقد یا تدوین آ ن بنشینیم ، اما سوالاتی که مقدمتا "مطرح است اینست کد: از کجا بایستی شروع کرد؟ معیار این بررسی چیست ؟وچهموقع ميتوانيم ادعاكنيم كهيك قانون اساسي مرد مى تنظيم كردهايم ؟ويامهمترازآن قانونى براساس اصول وموازين اسلام اصيل و واقعى ارائه كردهايم ؟

ا-روشبررسينظام اجتماعي

برای پاسخ به سوالات فوق از بک مساله ساده شروع میکنیم . زمانیکه با یک پدیده مشخص برخورد داریم ،ومیخوا _ هیم از کموکیف آن اطلاع پیداکتیــــم ، بایستی قانون مندیهای حاکم برآن پدیده را بشناسیم ،که در حقیقت بیان روابسط ماهوی پدیدهاست . درغیراینصورتقادر نخواهيم بود عليرغم شناختهائي جزئي و پراکنده تصویری درست وهمهجانبه از آن پدیده ارائه دهیم .

حال اگر بجای یک پدیده مشخص با مجموعهای از پدیدهها مواجهباشیم،که در رابطه با هم یک سیستم را تشکیــــل میدهند، دیگر نمیتوان بسادگی تک تک اجزاء تشكيل دهنده سيستم رابطور مجرد و جدای ازیکدیگر مورد بررسی قرارداده و بخواهیم ازاینطریق به شناختی کامل و همهجانبه ازاین اجزاء برسیم . شناخت دقیق و کامل اجزای این سیستم ، نمی ـ تواند فارغ ازشناخت اصول كلىحاكسم برآن (روح وجوهر آن) صورت پذیرد . یعنی همانطوری که در بررسی وشناخست همهجانبه یکپدیده ،لزوما "بایستی قوات نین حاکم برآن را کشف کردوشناخت ، دربرخوردبایک سیستمنیز قبل ازپردا -ختن به بررسی های جزئی و پراکنده ،با _ یستی اصول اساسی وکلی حاکم برآن ر آ بشناسیم ، بدین تریتب است که شناختهای حزئى وپراكنده ، ميتوانددر رابطه بــــا یکدیرگر قرارگرفته ، و درگادر کلی سیستم تجزیه وتحلیل شود . برای روشن شدن مطلب چند مثال میزنیم:

هندسه اقلیدسی را درنظرمیگریم: در اینجا با یکدستگاه یا سیستم هندسی مواجهیم ،که دربرگیرنده انبوهی ازقضا _ یا و احکام هندسی است . تنها زمانسی قادر خواهیم بود ،برای تک تک این قضایا توجيه مناسبي پيداكنيم ،كهاصل اساسى این سیستم را شناختهباشیم (۱) . د ر

امری طبیعی و ذاتی انسان تلقی شده ،و لذا محترم شمرهمیشود . درچنین دستگاه حقوقى هيچكس حق تجاوز بحريم مالكيت دیگری را ندارد . بدون اینکه حدومسرز این مساله در نظرگرفته شدهباشد ، و مشخص گرددکهاین مالکیت تا کجا اصالت داشته و ازحقانیت برخورداراست ،و د ر چه شرايطي لزوما "بايستي الغاءشود .

درچنین قوانین حقوقی طبعـــا" حقوق اجتماعي تحتالشعاع حقوقفردي قرار خواهد گرفت . بااصالت دادن بــه حقوق فردى مناسبات استثمار كرانسسه اجتماعی توجیه و تفسیر میشود .

طبيعي است که هرچه سيستم مور د نظر پیچیدهترباشد ، طبعا "درک جوهریا روح حاکم بر سیستم ، و شناخت اصول و قوانین اساسی آن ضرورت بیشتری پیدا میکند . یک دستگاه نظری (مثلا" یسک مکتب باسیستم فلسفی) را درنظرمیگیریم دراین جا با نقطهنظرها وتحلیل وتغسیر۔ های مختلفی مواجههستیم . مسائـــل گوناگونی طرح شده و پاسخهای مختلفسی به منائل مبتلابه انسان داده شدهاست ، برای فهم ودرک مسائل مختلفی کسمدر چنین سیستمی مطرح است ، بایستی قبل از پرداختن بمسائل فرعی وجزئی، سراغ اصول کلی واساسیآن برویم ، یعنی بتوا_ نيم مقدمتا روح وجوهر حاكم براين سيستم را مشخص نمائيم ، زيرا همانطوريكهتو _ ضيح دادەشد ،نميتوانيم بدون شناخست اصل یا اصول اساسی ، مسائلجزئی وفرعی را تجزیهو تحلیل نموده ،و صحت وسقــم آنها رامشخص نمائيم ،

در اینجا تمامی سیستم نظری (ایدئولوژیک) ، درنهایت بریک اصل اساسی متکی است . یعنی درحقیقت بسر اساس تبیینی که از وجود و هستی بعمل میآورد ، متکی میباشد .

٣_معيار اسلامي بودن يــک سيستم ياقانون اساسي.

ازنظر اجتماعی میدانیم کـه روح کلی حاکم بر اسلام چنین است:

" مخالف با استثمار ، وخواستار نغی تاریخی آن است . وهمچنین تکیه _ كاه اجتماعي خود رادرهرشرايطتاريخي مستضعفين قراردا دهاست وميدانيم كه أسلام صحبت از حاكميت نهائىوتاريخى مستضعفين وصالحين دررويزمين ميكند:

'إِنَّ الْأَرْضِ يَرِثُهُا عِبَادِي الصَّالِحُونَ ا باوجود اینهمه دیگر بسادگی دیدگاهی كهبخواهد اسلام را بطورتاریخی مدافع استثمار (ولو درابعادکوچک) ، ویـــــا طرفدارا صالت مالكيت بهرهكشا نه اسزار تولیدېداند ،غیراسلامی وغیرتوحید ی خواهدبود . و یا درمثال دیگر ، شناخت موضع واقعى زن دراسلام مشخصا "درپرتو درک وشناخت جوهر وروح قانون اساسي ، (كەتمامى قوانين اجتماعى درآن منتشر شدهاند) ، وباآگاهی از دیدگاه و اقعی اسلام (جوهر وروح آن يااصول ساسى حاكم برآن) ، میتوانیم به نقدوبررسی قانون اساسی پرداخته و درمورد آن اظهار نظرنمائیم . درغير اينصورت طبيعي استكهدر مجمو

عمای از قوانین و تبصره ها و تذکره هاسردر

پرداخته ، با حک واصلاحاتی بخواهیم يكةانون اساسى براى شرايط حاضر ميهنمان ارائەدھىم.

۴-پیشنویسقانون اساسی دردره بين اسلام اصيل

موقعی که از جوهر وروح حاکم بسر اسلام ، در رابطه با تدوین قانون اساسی صحبت میکنیم ، منظور سمت وجهتی است کهاین اید ولوژی برای انسان تعیین کرده، جامعهای است که میخواهد ایجاد کند ، و مناسباتی است که خواستار آن میباشد .

بطور مثال ماخواهان نغى استثما ر از نظر اجتماعی هستیم ، میخواهیـــم مناسباتی عادلانه برقرارکنیم . درایسن صورت بایستی مقدمتا " مفاهیمی ازقبیل استثمار ، زمینههای عینی اجتماعی آن ، شیوههای مبارزه باآنو . . . راروشننمائیم تا بتوانيم براساس اينها ، قوانيني وضوابطي راتدوین نمائیم ،کهدرجریان عمل بتواند هدف مورد نظر مارا (مناسبات عادلانــه اجتماعی) جامه عمل بپوشاند ، یا مثلا" خواهان برقرارىدموكراسي واقعىهستيم. وميخواهيم درجامعه مناسباتي رابراساس دموكراسي ايجادكنيم البته توجه داريم كه بين دموكرا سىواقعى ونغى استثماروا زبين رفتن مناسبات بهره كشانعار تباطى عميق ارگانیک برقراراست ، دراینصورت بایستی قبل از اینکه بطور یکجانبه آنهم بصورت شعارى براين مساله تاكيدكنيم ، به تعريف دموکراسی ،زمینههایعینی و واقعی آن (زمینه های اقتصادی _ اجتماعی) ، نحوه تحقق آن ونهادهای مختلف (اجتماعی، اقتصادی،سیاسی کهمبتوانندبه این تحقق کمککنند ، بپردازیم ،درچنین صورتی است کهمتوجهمیشویم صحبت از دموکراسی کردن مدون پرداختن به یک مبارزه ضدامپریالیستی صرفا"جنبهشعاری دارد . و یاصحبت ازنفی استثمار بـدون دفاع از منافع طبقات مستضعف (دراین مرحله تاریخی کارگرانودهقانان) و یا بدون مبارزه باطبقات استثمارگر ،صرفا" جنبه شعاری داشته ، و عملا" امکان پدیر ىخواھد بود .

دراین رابطه بود که درجریا ن رفراندوم ، سازمان مجاهدين خلق ايران اعلام کرد ،که اگرچه جمهوری اسلامسی حكومت ايدهال ومورد نظر سازمان است ، وتلاش ومبارزه پیگیر سازماننیزدرنهایت درجهت تحقق چنین حکومتی میباشد، ولی بایستی برای تمام کسانی کهبچنین حکومتی رایمیدهنداما ازمحت وای آن اطلاعی ندارند ، ابتدا بطورکامل، صریح و روشن خطوط کلی ومرحلهایچنیـــــن حکومتی را روشن نمود ،وسپس آن را در . معرض نظرخواهی ورایگیری قرار داد .

در شرایط حاضر نیز چنین است ، شاید خیلی از مردم باشند کهاملا "باین مسائل آشنائي نداشته باشند . و با توجه به جنبههای تخصصی مسأله بخودنیسز اجازه ندهند که دراین قلمروواردشده ، و درمورد مساله اظهار نظرکنند. ولی این

برعهده عناصر مسئول وآكاهاست كهآنها گم خواهیم شد . و باتوجه به تخصصی بودن بعضی از جنبههای مساله (جنبه_ را درجریان امر قرارداده ،ومسالمرابطور كامل برايشان روشن كنند . تاآنهابدانند های حقوقی آن) راه بجائی نعیبریم . که مضمون ومحتوایقانون اساسی ،کهتحت روشناست که قوانین اساسیکه در کشورهای غربی تنظیم شده ،درنهایت در عنوان اسلام بهآنان عرضه می شود ، خدمت منافع سیستم سرمایهداری است. چیست؟ واگر به قانونی رای میدهند یــا ضوابطی را میپذیرند آگاهانه و آزادانه مانميتوانيم بدون توجه به ماهيت ايسن سيستم ها ، و جوهر وروح حاكم برايسن ۵-ایدئولوژیبرتروبالاتراز قوانین اساسی ،بهالگوبرداریازآنها

همه چيز.

اكر واقعا معتقديم كهايد شولورى اسلام برتر وبالاتر از تمام ایدئولوژیها است؟ اگر این ایدئولوژی است کهسر-انجام پاسخگوی تمامی مسائل ومشکلا ت فردی واجتماعی میباشد ؟پس دیگر ترس ما ازچیست؟ چه عاملی باعث میشودکه مسائل را بطور کامل وبصورتی صریح وروشن درمعرض را وافكار عمومي قرارندهيم ؟ زمانی کهمردم احساس کنند که حکومتی که تحت پوشش اسلام ، و جمهوری اسلامی فعالیت میکند ، از اظهارنظر در مسور د اساسى ترين قوانينى كهباس نوشت وآينده آنها در ارتباط است ، اکراه دار د ، ویاآنها را بصورت کلی و مبهم برگزار میکند ، چگونه میتوانند بهعملکردهای حال وآینده آن اعتماد داشته باشند . درست استكسه مردم ما شاید از نزدیک در جریان حکومت على (ع) و پيامبر (ص) نبودهباشنـــد ولى هركدام به فراخور حال گوشههاشي از آن را میدانند ، وشایداین معیار و مقیاس مناسبی باشد برای قضاوت آنها .

لذااست که سازمان مجاهدین خلق ایران وظیفه خود میداند که دراین مرحله ومقطع سرنوشت ساز از تاریخ میهنمان ،که از ویژگی خاصی نیز برخورداراست (یعنی قدرت سياسى حاكم ميخوا هدا يدئولسوژى اسلام را درعمل پیاده کند) ،برای روشن شدن اذهان افراد وعناصر مسئول ، تجربه سازمانی ـ تشکیلاتی خود را درجهـت شناخت اصول اساسي و کلي (روحوجوهر) اسلام اصیل و واقعی در اختیار عموم قرار

این با دی نقطهای است کهنمی _ شود از گفتن اصرل صرفنظر کرده ،و با تکیه بر مصالح سیاسی روز از کنار مسالمه بسادگی گذشت . سابقهمبارزاتی سازمان نير بخوبي مويد اين مسالهاست .كــــه چگونه هیچگاه برسراصولی کهبه خاطر تحقق آنها به پیکار برخاسته تن بسازش ندادهاست ، زیرا همانطوری که در جزوه آموزشی " پراکماتیسم "آمده ،برای یک جزیان مکتبی و دارای اصول، زماننی که صحبت از مبارزه ، وحدت،مصالحسیاسی و . . . میکند ، تمامی این ها سرانجام تحت الشعاع اصولى است كماين جريان بخاطر تحقق آنها قيام كردهاست (ايد_ ځولوژی برتر و بالاتر ازهمهچيز) . .

١- هندسه اقليدسيبراين اصلبديهسي استواراست : ازیک نقطه خارج یک خط (درداخل یک صفحه) یکخطبیشتر نمیتوان بهموازات آن رسم کرد .

۲ - همانطوری که میدانیم دموکراسیدر سيستم هاى بورژوازئى دقيقا " بابنياد _ های اقتصادی _اجتماعی این سیستمها در رابطهاست ، و بطورعمده حاصل دوران

این سری مقالات در شمارههای بعد ادامه میابــده وکا رگری علیه آن گردید،و

بالاخره پوسیدگی نظام که خسود

استعما رگران همدیدندکه! یسن

سا زما ن وتشکل سیا سیسیدر

ا تيوپي،ا رتش تنها نيـــروي

متشکل درکشوربود ۱۲۰۰ نفری

با توجه به فقدا ن يــــــــک

نظا منميتوا ندپا يدا ربا شد .

برادر مسعود رجوی ...

ژی سازمان درآمد . دراین دوره وی د ر تدوين كتب ايد ولوزيك سازمان وتفاسير قرآن ونهج البلاغه كه بعدا "منتشر گرديد، شرکت داشت . درسال ۴۷ در گروه ۱۶ نغرهای نیز که برای استخراج و تدویسن استراتزى انتخاب شدهبودندبهفعاليت

سال ۴۹ همراه اولین سری برادر_ ان منجمله برادر شهیداصغربدیع زادگان جهت مذاكرات وآموزش نظامى بمفلسطين رفت . او در بحبوحه جنگهایسپتامیسر اردن در عمان بود .

پس از بازگشت از فلسطین درگروه سیاسی ، تعلیمات و مرکزیت سازمان مشغول بكارشد وهمراه برادران بنيانكذار سازمان و دیگر برادرانی که همگی شهیدشدند نقش خود را در رهبری مجاهدین خلیق بعهده گرفت.

دستگیری

همراه با اولین موجوسیع دستگیری شهریور سال ۵۰ مسعود نیز دستگیرشد وسپس همراه اولین سری مجاهدین خلق در بیدادگاهشاه خاش باعدام محوم کشت دفاعیه او در بیدادگاه ،بعدها به خــارج از زندان راه یافت و در زمان رهبری رضا رضایی همراه با برخی دیگر از دفاعیات توسط سازمان متتشر گشت ، این دفاعیه بعدها چه در داخل وچهدر خارجکشور بارها تجدید چاپ گردید . جملاتی ا ز دفاعیه او را دراینجا میآوریم:

" رژیم چارهای جز شدت عمــل ندارد . واین نشانه احتضار اوست . انسان بدون گرفتاری تصفیه نمیشود. این فلسفه هستی است . امشب یا فرد ا شب آخرین شباست ،از ریختن خــون يكنفر صدها نغر مثل او برميخيزندباميد روزی که ملت خائنین را به دادگـــا ه بکشاند . مرگ بر امریکا و امپریالیزم . درود بر مردانی که رنج انقلاب را تحمل

مسعود گرچه بهاعدام محکومگشت ولی بعدا " رژیم شاه به علت فشارهای متعددی که یک نمونه آن سفر آقای گروبه نماینده مجلس سویسس همراه ۱۴ حقوب قدان دیگر بهایران بودازاجرای حکهم اعدام خودداری کرد.درآنزمانمتداول این بود که افرادی راکه درمجازاتشان تخفیف قائل میشدند در مطبوعات این تخفیف را نحت عنوان ندامت ونوشتن نامه عفو اعلام میکردند ، نمونه های زیادی از این گونه اتهام هادر مطبوعات آنروزها بچشم میخورد . مثلا "وقتی محکو-میت مجاهد شهید مصطفی خوشدل ا ز اعدام به ابد تبدیل گشت علت آنسرا اظهار ندامت نوشتند ۱ ولی از آنجا که مسعود دادگاهش علنی بودودفاعیه اش نیز موجود بود و زدن این مارکامکا ن نداشت در روزنامهها بهانه لغواعدام او را همکاری با رژیم اعلام کردند ۱

مسعود تمام مدتى كه درزندان بود فعاليتهايش شديدا" تحت كنترل پليس قرارداشت. بارها برای ردیابی فعالیت. هایش او را به کمیته برده وشکنجهدادند سالهای ۵۳ و۵۴ مرتبا" زیر بازجوئسی قرارداشت . ازاو اطلاعات مربوط بـــــه رابطهاش با بيرون و فعاليتهايـــش در زندان را میخواستند ،نقشمحوری و در

فعاليتهاى زندان اعم ازبرنا مهريزىها ي مقاومت در برابر پایس و همچنین تعلیم و تربیت کا درهای مجاهدین از آنچنا ن اهمیتی برخوردار بود که رژیملحظه ای از وی غافل نمیگشت .

شكنجههايىكهدر اين مرحله متحمل گشت ، توان فیزیکی او را بصفررساندهبود بارها تنها باین علت که دیگر احتمال شهادت داشت ، دست ازشکنجهاش بردا_ شتند ولى او هردفعه قويتر از دفعهقسل از آزمایش مسئولیت پذیری در برابرخدا وخلق سربلند بيرون ميآمد . او هنـــوز آثار شکنجههای دژخیمان ساواک را بــه صورت عوارض شدید جسعی یدکمیکشد.

دراين دوران وبخصوص يسازضربه خائنانه اپورتونیستهای چپنماوموضع ــ گیریهای مرتجعین راست بیشترین فشارو مسئولیت سازمانی را بعهدهداشت . و ی آماج حملات منحرفين و مرتجعين قسرار داشت چرا که بار مسئولیت مکتبی مجاـ هدین خلق را بخوبی بردوش خویــش احساس ميكردو با تمام وجود عليه انحراف وارتجاع كەمپرفت تا بنياد سازمانرابر-اندازد ایستادگی میکرد .

پس از آز ادی از زندان

بالاخره وی همراه با آخرین سری زندانیان سیاسی رژیم خائن و در ا و ج قیام قهرمانانه خلق و بهمت مسردماز رندان آزاد گشت . او در اولین سخنرانی خود پس از زندان در دانشگاه تهسران چنین گفت:

" مگر میشه خورشید رو کشت ، مگر میشه باد را از وزیدن بازداشت و بساران را از باریدن . مگر میشه اقیانوس راخشک کرد ،مگر میشه بهار را از آمدن بازداشت ، مانع روئيدن لالهها شدو مكر ميشهملتي را تابهابد اسیر نگهداشت . مگر میشه تسا ابد خلقی را در زنجیر نگهداشت؟ نه ، چرا؟ این خواست خداست ، اراده خلقه سنت تاريخه ،قانون اجتماعه ، ولن تجد لسنه الله تبديلًا " ولن تجد لسنه اللـــه

مسعود پس از پیروزی مسردم د ر بهمن ماه ۵۷ مبارزات پیگیری را علیه امپرياليسم وارتجاع لحظهاى حتى ترك نکرد . بخشی از فعالیتهایگسترده ا و و تا آنجا که بهروابط خارجی مجاهدین خلق مربوط ميشوددر مطبوعات ايندوره كم وبيش منعكس گرديده است .

وحال مسعود از طرف مجاهدیسن خلق نامزد انتخابات مجلس بررسي نهائي قانون اساسي شدهاست ، كسي كه در اولین روزهای رهائی از زندان فریا د برآورد که : ما سرندادهایم که زر بگیریم و یقینا از همین دیدگاه درایسن مبارزه شرکت خواهد کرد وشرافت توحیدی و انقلابی خود را پاس داشته و در ایسن صحنه نابرابر و ناخواسته نبرد رسالــت خویش را به بهترین وجه بهانجام خواهد

بشتيباني ازنامز دهاي مجلس بررسى قانون اساسى

ما ا مضاء كنندگان زيربه لیست نا مزدهای گروههای :

گزارشی از یك ديدار....

ایجا دیک را بطه فدرا تیوازیــر نظرآن سا زمان بهوا بستگسی ا ریتره به حبشه صورت قا نونسی دا د ،درحا ليكه ا زنما يندگا ن ا ریتره دراین کمیسیون خبری

به این ترتیب منا فــــع ا مریکا وا سرائیل که مــــی ــ خوا ستندا تيوپي پايگا هـيي برائ استعما رجديدبا شدوهــم چنین منافع اتیوپی کدبداین وسیله راهی به دریا پیدامی -میکردتا مین میشدودرا یــــن میان آن کس که به حساب نیا مد وخاكش موردمعا ملهبيكا نكـــا ن قرارگرفتخلق ستمکشیده و معروما ريترهبود.

بعدا زاین جریان ،مـــا مخا لفت خودما ن را با ا يــــــن تصميمات به صور مختلف و از جمله تظاهراتی که انجام می ـ رسا نیدیموچون این شیوهها موثرنیفتا د ،درسا ل ۱۹۵۷مبا ـ

فهرست نامزدها...

۱_ آقای دکترحسن اسدی _

۲- آقای جواد برائی

۳_ آقای دکتر کسرائیان

۴_ آقای دکتر محسن

۱_ آقای حسن اکبـــری -

۲_ آقای دکترمـــرا د

محاوجي

مرزناک

علىي زهرى

٣_ آقاى سيف اللـ

کبیــریـان ۴_ آقای دکتر محمـد

رضا روحانى

شريعتى

ـــا رس ؛

مازنـدران:

شروعکردیمودرسا ل ۱۹۶۰ جبهه T زا دیبخش ا ریتره بعنو ا ن یـک سا زمان سیاسی تشکیل شــدو

ما دربرا برخودعلاوم بــــر ا تیوپی، آمریکا ، اسرا ئیسل و ۱۹۶۲، واکنون هم یک پایگاه تعلیماتی نظامی درسوریــــه

مجا هدين :تحليل شما ا زرژيـم لحاظ اقتمادى وسياسي چيست؟ احمدنا صو :درتحلیل ما (جبهه آزا دیبخش ا ریتره)عوا مل از بين رفتن رژيم هيلاسلاسي ودروهله بعدتضا دهای درونسی رژیمبود ،نظا مطبقاتی کہنے فشودا ل _ بورژوا وشدت فشار برطبقات محروما جتماعي كسه

یکسال بعدیعنی در ۱۹۶۱ مــا

دست به مبا رزه مسلحا نه علیسه حكومت هيالسلاسي زديامدر حاليكه بجزئه قبضه سلاح چيــــز دیگری نداشتیم، رهبــــر مبا رزه مسلحا نهشهیدحا مصد ا دریس عواقی بود .

فرانسه را دا شتيمكه به دوست ا تبوپی کمک میکردند ۱۰ ولین رابطهبین المللی ماتاسیسس دفتری بوددرسوما لی درسا ل داريم.

هیلاسلاسی ورژیم فعلی بسه دردرجه اول،فشارمبارزاتی ما باعث رشدجریا نات دانشجوئی

۵ استاد محمد تقی -زنجان و قــزوين ۽ ۱ ـ آقای ها دی مؤتمنی ۶۔ آقای دکترمہدی عسگری

۲- آقای کریم حاج سید جــوا دی

نوربختش

۱- آقای دکتر حسیسن

۱- آقای مهندس دا وود

۲_ آقای دکتریحیی نظیری

۱_ آقای شهباز شهبازی

۲_ آقای طاهر خوشخلق ۳_ آقای ها دی پورگــل

٨ - حجت الاسلام دكتـر

۹ ـ آقای دکترنا صــر

الكريملاهيجي

عبا سسمیعی ۔ مهندس وهـا ب زا ده۔ هوشنگ مطحی ۔ علـــی محمدتقی انوری _ جـــوا د مها جری ـ محمدطا هری ـ دکتر

اکبرحاج بابا۔ عباس را دنیا حسین اشراقی _ احمدعل____ بابائی.

۵ - آقای ابـــوذر وردا سبــى

چہـا رمعا ل بختيــا ري.

خــرا زی

ميلاني

۷ ـ خانم دکترطا هــره

على غفورى

کا نوزیا ن ۱۰ ـ آقای دکترعبـــد

برای مجلس خبرگان رای مسی

۱_ آقای مهندس احمــد

سنسان:

جنبش ـ جنبش ا نقلابی مسردم مسلمان ایران (جاما)جنبسش مسلما نا ن مبا رز۔ سا زمــــا ن

اسلامی شورا (ساش) ـ سازمان مجا هدين خلق ايرا ن ١ - حضرت آيت اللـــه

طالقانی (درصورت پذیرش خود آن حضرت)

۲ _ آقای دکتر حبیب الله پيمان ٣ - آقای علی اصفـــر

حاج سیدجوا دی

۴ ـ آقای مسعودرجوی ۵ ـ آقای دکترکاظـــم

۶ ـ آقای مهندس عسزت الله سحابي

کنشورای رهبری ارتش بودند همه ا زجا نب یک واحدا رئیش انتخاب شده بودند ،بدوان ایسن که پشت سرآنها یک جریـــان سیا می وجوددا شنه با شدپسس در حقیقت تغییری که ایجا دشده بودنهبرا ثريك انقلاب بودونه برا ترعملکردیک جریــــان سلاسي رابطه داشتندورفته رفته جدا شدند ، وبعدا زا ينكه قسدرت را دردست گرفته دوکا را نجام

مرحله اجرا در آوردند، حامیان رژیمجدیدهمبخشی ا زجنبش کا رگری اتیوپ ی و اتيوپى است ونەھمەآن .

دا دندیکی اینکه وابستگان

ها یلا سلاسی را اعدا مکردنـــد

دیگر آنکه ا صلاحات ا رضی را ب

ما بعنوا ن یک جریـــا ن انقلابی این تحولات را تحولاتی مترقى ومثبت تلقى ميكنيمو درمقا بل یک طرحسه مـــا ده ای برای حل مسئله دا ریم:

1 _ برسمیت شنا ختن حــق ما برتعیین سرنوشت خودمـــــا ن ٢ _ حل مسئله مليتها بـــه شیوه ای انقلابی .

۳ _ تما مجریاناتسیاسی موجودکه در زما ن ها یل سلاسی مبارزه میکردنددرجبهه واحدی قرا رمیگیرندوبرای پیشرفست ورشدنظا مجديدبكوشند.

بسيا رهماين اعتقادراتائيد میکنندکه درکشورهای جهان سومکودتا های ترقیخوا ها نــه اگرپشتوانهسیاسی نداشتــه باشند،اگرچهشعارهای خیلیی خوبى همبدهندبا زسرانجا مشان یا سا دات است ویا نمیری .

سوسیالیدسی اکتبر،انقلابهادر کشورهای مستعمرهیانیمیه مستعمره دا رای ما هیت...... دموکرا تیک وملی هستند .چـون دراین کشورها تضا دا صلی بیسن پرولتا ریا وبورژوا زی نیست بلكهبين خلق وامپريا ليســم است ،کەبعدخودبورژوازی سےر کا رمیآیدودو را هبیشترندارد، یا با یدرا هسوسیا لیست را پیـش بگیردیا را هسرما یـــهدا ری وابستهرا ودردامن امپریسات ليسمبيفتد ،ما اكنون با چنين دیدگاهی با اتیوپی برخصورد

این میانهچهبود، آیسادارای پایگاهی درا ریترهبود؟ ناتعام

سانىة اعلام....

اسلامي باجز مانده ،و تسليم تعايسلا ت جاهلی و اشرافی خویش گردیدند . آنان که برخی از صحابه پیامبرنیزدرمیانشا ن بودند، تدريجا ازحقيقتاصيل اسلام فاصله كرفتندو دينرا وسيلمدنياىخويش ساخته و آزمندانه در پیمنافع فردیخود رفتند . خلاصه بىسروصدا اشرافيىست جدیدی بوجود آمد که تنهاهنرشمیراث خواری افتخارات وشهداء وقهرمانیها ی گذشته ، و نزدیکی به پیشوای انقبلا ب یعنی پیامبر بود . انحراف تا بدانجا کشیده شد که بعدا " در دوران بنی امیـــه صحبت از بزتری اعراببر دیگر اقوام به میان آمد ، آنهم به این دلیل که رهبسر انقلاب یعنی پیامبر از میان اعراب بر۔ خاسته و بنابراین آنها بایستی امتیاز خاصی نسبت به غیر عرب داشتهباشند ۱ بتدريج نطفههاى مال انـــدوزى

و امتیاز طبقاتی بستهشد .برحی از صحابه درعين انكه درانجام وظائف حود سختگير بودندو احكام وحدود را با قاطعيت اجرا میکردند، ولی مشی اقتصادی۔ اجتماعی آنان چنان بود که رادرا بسر تروتمندشدن و استثمار مردم بطورقاطع نمى بست . آنان بطوركلى به عمق انديشه اسلام در زمینه نغی استثمار و ستم اجتماعی و تشکیل جامعه قسط بر پایه مستضعفين نرسيده ودرأينزمينهقشرى و سادهاندیش بودند. درنتیجه انحرات درطول زمان گسترش یافت و بتدریج به نقطهاوج خود رسید . بررسی عمیق این جریان نشان میدهدکه جریان فوق عامل انتقال ثروت ودسترنجتوده مردم به اقلیت ممتازی بود که سرا ن اموی در راس آن قرارداشتند ، ویژگی این جریان درشکل حاتم بخشی ها و گماردن خویشان بر مناصب مهم، توجه به تجملات و زراندوزی و راحتطلبی خلاصه میشد .

مردمبها میخیزند :

اینها همه موجب میشود که رفته رفته نطغههای مبارزه علیهاینجریان در شهرهای مختلف منعقدگردد .همه مردم میگفتند که جریان فوق مسجد پیامبر را بزرگ میکند ولی هدف انقلابی او را رها کرده زیر پا میگذارد . حق و عدالت را که از ارکان اسلام ومحتوای توحید است به صورت شعارهای بدون محتوا درمیآورد ، سرانجام مردم خشمگین که از این جریان انحرافی در بطنین اسلام به تنگآمدهبودندمیشورند . آنگاه انبوه تودهها به جانب على (ع)روان شده و از او دعوت به کار میکنند . امام علی نیز چنانکه در خطبه ۳می-گوید ، " بر اساس دعوت تودهها و خواست حاضرين وضرورت وجودياورى براى خلقها ولزوم پاسخ بهتودهها ي بپاخاسته و اینکه خدا ازدانایان پیمان گرفتهاست تا بر سیری ظالم وگرسنگی مظلوم آرام ننشينند" (وَمَّااَخَذَاللَّـهُ عَلَى الْعُلُماء أَنْ لَأَيْقَارُوا عَلَى كِظَةَظَالِم وَ لُاسَغُب مَظُلُوم . . .) مسئوليت جديدرا عهده دارميشود . ودرخطا بهاش بلافاصل پس از بیعت با مردم خط مشی و راه

نکته بسیار قابل توجه در ایسن خطبه اینست که امام علی در اولیس قدم حکومت خود، بر روی پایگا ه

خود را اعلام میکند.

اقتصادی _ اجتماعی رژیم و جریـان انحرافي يعنى اشرافيت زميندار بنى أميه انكشت ميگذارد ، ولبه تيزحملات خویش را متوجه طبقهای از زمیندارا ن بزرگ میکند که نفوذ روزافزونی یافت. بودند. این طبقه فرمانداری شهرهارا بدست گرفته، وبا استثمار دسترنسج بردگان و تصاحب غنائم و زمینها ، اشرافیت جدیدی رابوجود آورده بودند. آنها هر روز اراضی جدیدیرا تیسول خویش مینمودند ، وبساط خوشگذرانی هوی پرستی و ثروت اندوزی را گستر ش میدادندو کارآئی و قدرت را ازخلافت همگرفتهبودند،

امام على مخن خبود را بنا حملته به اشرافیت زمیندار ، ایس پایگاه کثیف رژیم و جریان انحرافسی آغاز میکند ، وبا قاطعیت اعلام مینماید : " وَاللَّه لَوْ وَجَدْتُهُ قَدْ تُزُوِّجَ بِـه

النِّساء وَمُلْكَ بِمِالْإِمَّاء لُرُدُدُّتُه . . . " (سوگند بخدا بی دس رادر هرکجا که بیایم مصادره خواهم نمود. حتى اگر اين اموال به كابين زنان رفته و باآن کنیزان خریدهشدهباشد . (البته توجه داریم که در شرایــط تاريخي خاصي كهاينخطبهدرآنشرايط بیان شده " دوران بردگی " خرید و فروشيرده و كنيز از اموررايجدرجامعف های مختلف بودهاست .) موردیراکه على در جمله فوق مثال ميزند "مصاـ درهٔ دارائیهای بخشیده شده، حتنی اگر صرف خرید کنیزان و یاکابینزنان شده باشد) باتوجه بشرایطاجتماعی _ تاریخی و فرهنگخاص آن زمان ،بخاطر حساسیت ویژهای استکهنسبت بعوضو ع در مردم وجود داشتهاست . وخود نشانه ٔ تاکید وقاطعیت امام علی در مور د تصمیم فوق میباشد . یعنی پافشاری سر۔ سختانه بر روی خط مشی " مصادر ه ثروتهائی که از دسترنج مردم بدست آمده "، و اینکه بهیچ قیمتی وباهیچ عذر و بهانهای حاضر به کوتاه آمدن نیست و استثناء نمیشناسد ،

دگرگونی سطحی یا بنیادی:

خط مشى امأم على بطوركلى اين است کهانقلاب را تا نابودیکامل تمامی مظاهر سلطه رژيم طبقاتي و نهادهاي آن ومخصوصا پایگاه اجتماعی آن د ر مرحله مشخص تاریخی ، یعنی اشرافیت زمیندار ، ادامه دهد . علی بخوبی آگاه است که انقلاب مردم با رهبری علی و حکومت او خاتمه نیافته ، وبایستی دراولین قدم پس از بدست گرفتسن مسئولیت و رهبری در مسیر ادامـــه انقلاب بهخلع ید از این اشرافیست جديددربطن اسلام دست بزند . اشرافيتي كه با تظاهر سالوسانه بهاسلام ،بهمسخ و تحریف محتوای انقلابی مکتب پرداخته و بنام اسلام ودواستفادهازآن ،زميس دار ، کنیزدار وبردهدارشدهانید ، و میرود که مسیر جنبش را بهانحسر اف بکشانند . علی میدانست که انقلاب بدون پرداختنبه این مساله مهـــم ، اجتماعی۔ اقتصادی، ناقص و رو ب افول خواهد بود ، ودر نهایت چیزی جز یک تغییر سطحی نمیباشدواساس و بنیاد نظام رادست نخورده ، باقسی خواهد گذاشت ، ودشمن دوباره خواهد توانست به شیوه دیگر و از راهها ی جدید مجددا" نفوذ نماید و حاکمیت

خویش را بازیابد.اینست کهمیبنیسم امام على قبل از هرچيز، وقبل ازير-داختن به خیلی از بدعتهای دیگری که ارتجاع برجایگذارده بهموضعگیسری برعلیه پایگاه اقتصادی _ اجتماعـــی جريان ارتجاعي پرداخته ومصعم است که آن را بطور کامل ریشهکن سازد . بدین سبب است که اولین بیانیهخود را با اعلام مواضع سرسختانهخودمبني برمصادره اموال و زمينها وبخشيدهما شروم مینماید . وبدین ترتیب رژیسم اموی و نظام اشرافیت وقت ر ۱ ، از اساس وبنیاد آن متزلزل میسازد . و درست بهمین خاطر یعنی طرزعمل

انقلابی علی است که تمامی استثمار۔

گران ثروتمندو انگلهای اجتماع کسه تجاوز به حقوق دیگران اساس شیسوه ۴ زندگیشان را تشکیل میدهد ،سراسیمه شدەوبرعليەعلى بسيجميشوند . منحرفينى چون طلحه وزبير وقتى ديدندبااعلام خط مشی علی موقعیت و منافعشان به خطر افتاده است تعهد و پیمان های اسلامی خود را زیر پا گذاردند. با سوا ستفا دهفرصت طلبانها زسوابق نزديكي خود با پیامبر ونیزناآگاهی تودهمردم ، یک جریان انحرافی رابامضمون ضدیت با مشى على ، براه انداختند .و بــا شیوههای فرصتطلبانه ومغرضانه و بــا وارونه جلوه دادنحقايق ببناى دشمنى با على راگذاشتند وجنگ جمل را بها نمودند. آنها از این راه به انقلاب و مردم پشت کردند، وبزرگترین خدمت را به دشمن کینه توز وقدر تمندو حیله گر خارجی یعنی معاویه نمودند ،اینان از على امتياز ميخواستند وفكر مىكردند که علی را میتوانند در برابرخواست خود تسلیمکنند ، وبهرسم دورانگذشته سهم ویژهای در تقسیم بیت المال ببرند.

مضمون عدالت درمنطق امام على:

اما على در برابر آنها باقاطعيت ایستادگی کرده وسوگند مبخوردکه: " اگر بیت المال ، مال شخصی من هم بود آن را بطور مساوی تقسیم میکردم ، پسچگونهمیتوان غیراز مساوا ت عمل کرد درحالیکهدارائیازآنخداست" (خطبه ۱۲۶)(و درخطبهدیگریمیگوید: درحالیکه دارائی از آن مردماست)

بنابراین علی، دست ردبهسینه امتیازطلبان میزند ، و مصمماست که به مردم وطبقات محروم روى آورد ،وراهى رابرود که به تحققخواستههاو آرمانهای تودههای فقیروتحت ستم منتهی گردد. على برخلاف سياست اقتصادىگذشته، که مهمترین عامل انحراف و درهم۔ ريختگي فلاكتجامعه بود ، شيوهكيفيتاو متفاوتی رادرپیش میگیرد ،که رشدواقعی وهمه جانبه جامعته و تتوسعه اقتصادي عادلانه راتاءمين خواهدكرد . اينسيا_ ست هدانا اتخاذ شيوه "عدل "وكرايـش بسمت طبقات تحت ستم جامعهاست:

" فَإِنَّ فِي الْعَدُّلِ سِعَة " (همانا توسعه ورشد واقعی در گرو انتخابراه "عدل" است ،)

این راه "عدل" است کهفاصله_ های طبقاتی را ازبین میبرد، و قدم نهادن در آن مستلزم روی نمودن به مستضعفين و طبقه عمروم و زحمتكش اجتداع ميباشد . راهي كهبه محوامتيازات طبقاتی و حرکت به جانب نغیاستثمار

و بهرهکشی منتهی میکردد .اگرمامعتقدیم کمواقعیتی مستقل از ذهن ما دردنیای خارج وجود دارد، و کارجهان برمبنای حساب وكتاب واصول معينى استواراست پس نباید تردید داشتکهگردننهادن براین اصول که برتمام هستی حاکمیت دارند، لازمه "عدل" واعتقاديه نظم و قانونمندی است، جامعهنیز بهعنوان بخشی از جهان بر مبنای اصول مشخص بسمت مقصد بزرگ توحید ویگانگسی " تكامل مىيابد. لذا هر خط مشى و سیاستی کهبرای حل تضادهای اجتماعی بکارگرفتهمیشود ،چنانچهبر مبنای ایسن اصول تكاملي نباشد ، يعني از شيسو ه اصولى حل مساله عدول شود ، لاجرم از مسير " عدل " خارج شده وما را به سراشیب انحراف و یا ارتجاع سو ق خواهد داد . بنابراین ، آنچه علی (ع) در این خطبه بعنوان " شیوه-عدل " مطرحميسازد ، چيزى جزهما ن شیوهها و راههای اصولی برای حل مسائل و تضادها و معضلات جامعه نیست . شیوههائی که طبیعتا ملازم با موضع گرفتن بهنفع طبقات تحت ستموحرکت

برو میسازد) به سمت محو استثمار ومحوطبقات ستمكر و تحقق بخشیدن به حاکمیت مستضعفین و یکانکی اجتماعی است درمقابلایس روش ، " جور " قراردارد كهنتيجهآ ن ازدياد فاصله طبقاتي وتشديددوكانكي و در حقیقت استثمارزحمتکشانوطبقات مستضعف اجتماع است . اینست معنای واقعی عدل ، از دیدگاه توحیدی علی، عدل درایسن دیدگاه هرگز یک مفهوم مجردوانتزاعی

که همچگونه ربطی با دنیای عینی و موضعگيرىهاى اجتماعى واقتصادى ندارد نیست ، علی (ع) خود در جملهقبل اینبرداشت توحیدی از واژه "عدل " را بخوبی نشان دادهاست، آنجا که شعار مصادره اموال غصب شده مردم را مطرح میکند، و خلع ید ازاشرافیت زمیندار را در راسیرنامه حکومت خویش قرارمیدهد . از اینرو علی فارغازهرگونه تردید و هراس بخاطرسختی هاومشکلات این راه وبدون هیچ شائبهغیرتوحیدی، که او را بخاطر از دست دادن برخی حمایتها و امکانات،به تسلیم دربرابر گشایش و توسعه اقتصادی غیرعا ــ تمايلات سودجويانهو ضدتكاملي امثال دلانه وبی بندو بار سرمایه داری که در طلحه وزبير وادارد ،قاطعانه برروى اين

> " یگانه راه توسعه اقتصادی و و گشایش و رشد همهجانبه، درانتخاب راه " عدل " است ، "

اصل تکیهکرده وبه صراحت اعلام می ــ

دارد که :

مشكلات راها صولى وعا دلانه :

او در عین حال بهاین نکتهنیز توجه دارد که اتخاذ ابن روش اصولی، بلاشک در کوتاهمدت، او را بامشکلات و تنگناهائی مواجهخواهد ساخت . نيروها و امکاناتی را از دست میدهد.و حتی با تضييقات وموانعي كهجريانات انحرافي در پیش راه او ایجاد خواهندکرد ،چه بسا کندی هائی در حرکت او بوجـود بياورد . اما باهمه اينهاايمان دارد كه چون راه درست و اصولی را برگزیده، بطور درازمدت و درپناهحرکت اصولی عدل " همه آنچه را که بظاهر از دست میدهد، بدست خواهدآورد. و

درنهایت اینارزشهای خدائی وتکانلی است که ، گشاینده همه تهی دستیها و تنگناها و سختی راه است. ارزشهائی که نهایتا " درانرژی و قدرت تودهها متبلور ميشود . على برخلاف مدافعان راه رشد غیرعادلانه و سرمایهداری ، اصالت را به عامل انسانی وخلاقیست مردم میدهد ونه تکنیک و سرمایه .

دشواریهای راه اصولی ودرست ، هرگز نمیتوانند مجوز عدول ما از آن، و تمایل به انحراف گردند، تازه در اینصورت یعنی اگر انحراف رادر پیش گیریم ، معلوم نیست از این مشکسلات رهائى يابيمو بامشكلات پيچيده ترولا ــ ینحل دیگری مواجه نگردیم. اینستکه بلافاصله على (ع) در دنبال مطلب ميكويد : " وَمَنْ ضَاقَ عَلَيْهِ الْعَــدُل فَالْجُور عَلَيْهِ أَضْيَــق "

(برکسی که اتخاذشیوهعدلسخت آيد، بدون شك،راهغيرعادلانهسختتر است و او را با تنگناهای بیشتریرو-

معنی این تأکید آنست که هرگز نبایستی سختیهاو تنگناهائی ،کمبراثر بریدن از طبقات میرنده واستثمارگر و روینمودن به مردم محروم وبسیجآنان، بطورموقت دامنگیر انقلاب میکردد ، ما را دچار هراس نموده، و قصورنمائیم. زیرا که امکان خروج از این مشکلات در صورت انحراف از عدل وجودندارد و به بن بست دچارگشتهایم .بلکهواقعیت اینست که این مشکلات کهلازمهپیمود ن این راه هستند، همگی کوتاهمدت میاشند. برعکس،این راه انحرافی ، مسیر غیر عادلانه وسعهاست ، كه بدليل عسدم اتكاء آن به خلق وبسيجنكردن آنها در مسیر توسعه اقتصادی ،سرانجا م محکوم به بن بست وشکست است.

انتخاب شيوه غيرعادلانه ممكن است در کوتاه مدت ، قدرت و توسعه و گشایش اقتصادی ظاهری و بنفع اقلیتی را فراهم سازد ولی در طولانی مدت با تناقضات لاينحل و تنگناهاوبن بست_ های گریز ناپذیریدستبگریبانخواهیم شد که سختیهای آن بمراتب بیشتر از طریقه اول در (توسعه عادلانه) خواهد

سر راه خود ، حقوق سایر ملتها وطبقات مستضعف را لگدكوب ميكند وتنگناها و بحرانهای پیاپی آن کهبناگزیر اورا از درون ، باتضادهاوتناقضات نابودكننده ، روبرو خواهد ساخت، بهترين مثال اين معنی است. در تاریخ معاصر خودمان میتوان از کشورهائی نظیر مصروسودان و . . . نام برد که بعلت اتخاذشیوه ٔ توسعه غيرعادلانه ومرجح شمردن تكنيك و امکانات سرمایهداری سرعامل انسانی وتودههای محروم ، سرانجام در مسیر این رشد اقتصادی در ورطه ننگینن وابستگیبه سرمایهداری سقوط کردند ، مسیری که در ادامه آن، دچارآنچنان فلاكت ودرماندگىاى ميشوندكهسرانجام بجز یکی از این دو راه ، یا راهسر۔ سپردگی به امپریالیسموخیانت (نمونیه مصر) و یا بازگشت به راه عادلانه و مردمی ، راه سومی برای خروج ازبن بست وجود نخواهد داشت .

* * * * *

شبهه ها ، اختلاف انگیزیهای

همه روزه در روزنا مه ، را دیـــو

و... استکهبرادرکشی میشود"

چرابرادرکشی ؟ مگرتــو ای

برا درکرد ،برا درعرب ،بسرا در

بلوچ،غیرازآزادی ،غیرازقسطه

مطلوب دیگری دا ری؟ا گـــردر

سایه اسلام وقرآن تا میــــن

نشو د، ا زکجا میتوانی تا مین

کنی؟به چهصورتی میتوانــــی

تا مین کنی ؟درسا یه کدا مکشور

ميخواهي قسط و عدالــــــرا

آية الله طالقاني...

اسلام را نشنا خته است . " ا زآنجا که سخنا ن آیست اله ،حاوى نكات ارزنده ومهمى بود،مالازمديديمكەبخشها و محورهای عمده نطق ایشیا ن را درا ينجا بيا وريم.

وحدت وتفرقه نيروها

"ا ن هذه ا متكم أ مَةً وا حِدة . . . " (مؤمنون ۵۴ – ۵۲) خطا ب بــه انبياء است ، آنهائي كــهراه گشای بسوی توحید و وحصدت كامه وقسط وعدل بوده انسد. انبياء در قبال تاريــخ و فصول حرکتهای اجتماعــی در جا معهها یجا مد ر اکدوشرک وبت پرستی ظهورنموده ،وتوحیـــد عقیده وعمل را اعلام کردند. و بردم را دریک مسیر و در یک خط واحدعقیده ای وایمانی و اجتماعی ، براهانداختند ... تا جا معه شان یک هدف ،

یک حرکت ، یک عقیده دا شت. باشد. نفی هر شرک بهرصورت وبهرگونه وانتخابیک رب ، "لَا نَّ رُبِّكُم" ، "من پروردگا رشما هستم " ،پروردگا ری که نسبست به مخلوق وبرای خلق ،هـــر گونه خيروصلاحي ميخوا هدومسي پسندد ،رشدوتربیت میجویــد و را هکمال را نشان میدهدد. رب كمال دهنده ماننداربابها، استعما ركروا ستثما ركرنيستاما بحدا زانبيا چەشد؟"فَتَقَطُّعوا ا مُرُ هُمْ بَيْنَهُم زُبُرا" اين رسالـت های تا ریخی یک ا مت محکـــم، پيوسته ومتحدفرا همكردند ،ولي بعدا زآنها قطعه قطعه شدند. از میان ودرون خودپراکندهشدند هردسته وحزبى براى خودمرام نا مه ای وزبری آورد. ومانند برا دمهای آهن قطعه قطعه شدند وآن خاصیت صلابت و قسدرت و Tن استحکام راازدست دادند. "فذرهم" ، مردمی که قطعـــه ، قطعه شدند ، و ا زحرکت توحیدی وا زحرکت بسوی وحدت و ؓ اُ مُــت واحدة ووي كردا نيدندا ينها را بحال خودوا گذار ،عمرشان بەسرميرسد ،ودرتا ريخجزننىگ ورسوائي براى خودنميگذا رند عامل پیروزی عرده درسی ام

وچەشد؟ درهمين محوطهای كــه شما عزیزا ن جمعهستید ، ۲۷سا ل قبل چه حا دئه ای پیش آ مسد .

تيرماه ١٣٣١

تير درا ثرجه عوا مل بوجود آميد

روزتا ریخی قیام ۳۰

استبدا دداخلی در مقابـــل حکومت ملی و حرکت همه مردم وفرزندان خلق ایران،دسیسه^ی كرد ،ولى هميشهشيطان كورمي خواند. اگربجای قوام السلطنه مهره دیگری را عرضه میکردشاید، چندروزی دوا مداشت ولی ایسن مهرهخودخوا ه ،خودفروختــــه ،

شناخته شده را به میدان آورد ،

باآن رجزخوا نيها ،باآنتهديد

ها ،با آن عربده جوئی هـــا و تهدیدبه قتل عام همه مردم ، دوران قدرت او چقدرطولکشید؟ تنها چهل وچندسا عت دوا مآورد، چرا ؟ برای اینکهمردم وحـدت دا شتندیعنی درمقا بل یــــک عنصرى كهدربا رمزدوربا تمام قوای نظامی پشت سرش ایستا۔ دهبود، پشت سرآن دوا ستعما ر قها را نگلستان قرا رداشت ،یک ملت ومردمی مثل شما ،با دست های خالی به خیابان ریختند،

واین عنصرراساقط کردند.



مراسم بزرگداشتشهدای سی ام تسیردرمیدان بهارستان

تجربه وحدت ، برایملت ما همین بود ،که توانستند با دست خالی به میدان بها رستان وخيا با نها بريزند ،هي جنا زه 6 پشت سرجنا زه ، ا زبچه هـای ۹ سالهوه (ساله تاپيرمردهای ۶۰ ۲۰ ساله ،درجلوی این مجلس فريا دكردندومقا ومت نعودند . وکلای ملی پرخاشهاگردند تـــا سرا نجا مپیروزشدند .ولی برای دشمن همتجربهبودا زآن وقست بەتفرقەكند."فَتَقَطُّعُوا أَمُرُهُمُ"، Tنگا ه قطعه قطعه شدند . هرکندا م

یک زمزمه وکتا بی برای ملت T وردند .نتیجه اش یکسا ل بیشتر طول نکشیدکهکودتای ۲۸مردا د بوقوع پیوست . درباره ایسن روز ٔهمه میدانیم ،شنیده ایسم ، روزنا مەھا نوشتە اند ،سنخر انبا گفته اند .ولی مهمترا زهمـــه تجربهتا ریخی است ،عبـــرت تاریخی است ، عبرتی کهبرای شما اکثرنسل جوان ،کهدر آن روز یا دردنیانبودیدویــا اطفالی بودید آموزنده با شد . ا مروز ما با زدرچنین مرحلـــهٔ تا ریخی هستیم .با آن وحــدت ، آن یکپا رچگی ،آن مشتہـــای گرهکرده ای که به سمت دربا ر جبا رحرکت میکر دپیروز شدیـــم بعدا زاینکه دستگا ه مـــزدوری استعما رولانة استعما ررا منهدم کردیم ،گما ن کردیمکهکا رتما م شد ۱۰ ما با زدیدیمدسیسه ها گـــی

باشیدو نفهمید وبه همیــــن

مسا دل جزئی سرگرمبا شید .

زیرپرده هست ،کیدها ئی کــــه دا شماً شب روز ،دشمنا ن زخـــم خورده ما درخا رج ودا خــــــل ، ابتدای ناریخ است . مشغول تدا رک آن هستند .هـدف

ومتفكرو آزاد آفريد . تـــــا از منابع طبیعی بهرهمندبشود.

اسلام اصيل، آزادي بحثو انتقادرامحدودنميكند

همین بشرا فرا دخـــودش را

استثما رمیکند ،یعنی بهرهکشی

انسان ازانسان این پستتریسن

وبدترين پديده اى ستكسهدر

تا ریخ پیش ۲ مد .وهنوزدردنیا

كه این سه شعارر اقبول نداشته

فرزندان ،آیاغیراازاین سه

اصل که اساس حرکت اجتماعی

و انقلاب ما ست ،مطلب دیگسری

همدا رید؟"پس چرا درمقا بل هم

قرآن قاتلين قيام كنندگان به

آنقدرمسئله قســـط در

ا دیا ن وا سلام مهما ست که کسانی

که حتی با دین سروکا رندا رنــد

اگرمادقانهقیامبه قسط کنند

قرآن ازآنها تعجيدكرده:" إنَّ

الذِّينَ يُكْفُرُونَ بِأَيَّاتِ اللَّهِ

وَيَقْتُلُونَ النَّبِينِ بِغَيْرِ حَسَقٌ

وَ يَغْتُلُونَ الدِّينَ يَأْ مُرُون بِا _

القِسط مِنَ النَّاس فَبَشِّرْهُ ــم

بِعَذًا بِ أَلِيمِ " (آل عمران آيه

۲۱) آنہائی که کفربایات می

ورزند، آنهائی که انبیاء را

به ناحق میکشندو آنها ئی کـــه

آمرین به قسط را میکشند بــه

عذا ب دردناک وعده شــــا ن ده ،

كسانيكه آشنائي بهتعبيسرات

قرآن دا رند :میدا نندکــه در

آيەفۇق تېكرا رجملە "يَقْتلُسونَ

الذين يَنا مُرونَ ..." اشارهبه

یک گروه دیگری است .یعنیی

مردمی کهندای انبیاء را

نشنیدندیا نفهمیدند ،قا صرند

نه مقصر ،ا ما درراه قسط حركت

میکنند،برای اقامه قسط بپا

خاسته اند .قاتلین اینهار:

قرآن درردیف قاتلین انبیاء

قرا ردا ده وبه آنها بشا رت عذا ب

دردناک دا ده است ، این سعیم

اسلام مخالف تنگ نظري

مسلمانها: اسلامدارای سعه صدر

است . اسلام دا رای گذشـــت و

چشم پوشی است .ا سلام با تنگ

نظری درست در نمیآید .بنابر

این ماهم ،تا ما دا میکه ا فرا دی،

ا نقلاب ا سلامی ما حرکت نکنند ،

حق نداریم که نسبت به ۲نها

تعرض كنيم ،ا ها نت كنيموحدت

را با يدحفظ كنيم . "ا گرمـــا

وحدتمان را حفظ بكنيم ديگردر

سرحدات ما و اطراف ما ،هـر

روزیک غائله ومصیبتی پیسیش,

نمیآید .همان مردمسرحـــدات

بايدا زحريم ومرزا نقلاب ما و

مرزکشور ما دفا عکنند .دیگــــر

لازم نیست که سپاهیا ارتش به

آنجا برود ،ولی درا ثرهمیـــــن

برا درها _ فرزنـــدان _

صدر اسلام است .

قسط رامحكوم بهعذاب

مُوضع گیری میکنید؟

کرده است:

"شمابرادران ـشمــا

ما سەشعا ردا ريم ،كيســت

ریشه دا رد

استثمار.

ما چه میخوا هیم ؟چه مـــــى گوئیم؟آیا غیرا زعدالت اجتما عی ، آیاغیرازآزادی ،آیـا غيرا زكوتا هشدن دست عوا مسل استثمار ؟آیا این مسائل در اسلام ما ودرقرآن ما نیست ؟یـا نميخواهيم بغهميمكههست ؟يا نعیدانیم که هست ونمیخیوا۔ هیمبدانیم؟ اسلام ، اسلامی که ما میشنا سیم ،ا سلامی که ا زمنـــــن

قرآن وسنت پیغمبرسرچشمـــه گرفته ،هیچگونه آزادی را محد ــ ودنمیکند . "هرجمعیتی کـــه بخواهد آزادی مردم را در ا نتقا دوبحث محدودكند ، اسلام را نشنا خته .هرجمعیتی کـــه نخوا هدا ستثما روا ستعمــــا ر و استبدا دریشه کن بشود ، اسلام رانشناختهاست . هدف همه مبا رزا ن را ستین یکی است زنفی استعمار ،نف

گروهها وجمعیتها چه می خوا هند؟چه میگویند؟غیـــر از عدالت ، غيرازقسط ،غيـر از آزادی ؟.... بین مسلمانان یک خدا ،یک مبدا ، یک معاد و یک قرآن ، یک کتا ب حاکم است گروههای غیرمسلمان هم قسط ميخوا هند ،عدا لت ميخوا هنــد ، نغى استثما رواستعما رميي خوا هند .مگرقرآن موافق بــا استعما رواستثما راست ؟آیا تی كه من درمجا لس ومجا مع گا هــي خوا ندم "وَلَقَدُّا رُسُلْنًا رُسُلُنَا رُسُلُنَا بِالْبَيِّنَاتَ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُـــــــــمُ أُلْكِتًا بَ وَالْمِيزَانِ لِيَقَــوم النَّاسَبِالْقِسط ... "

استبداد ،نفی استثمار ،

قسط یعنی چه ؟قسط یعنی حق هرکسی را به اودا دن،قســط یعنی هرکسی را درموضع خـود قرا ردا دن.قسط یعنی ثمره کا ر وفكرهركسى رابهخودش بـــرـ گرداندن ، قسطیعنی نفییی استثما رواستثما ريعنى بهبره کشی انسان از انسان کــــه بدترین پدیده جوا مع بشری از

بشرى كهخدا اورا مختار

تا مین کنی؟ كارى نكنيم كه چهرة اسلام الوده کردد.

آنچهبرای ما ورهبری ما مهم استهنشان دا دن چهـــرهٔ واقعی اسلام میباشد .بعـــداز رسول خدا وصدرا ول اسلام ايسن چهره آلوده شد ، اسلام ازدربارها ما درشد . وا بستگان به دربا رها ، وابستگان به طبقات ممتازو استشما رگر، اسلام را تحریصف کردند.

وميخواهيم بكوئيم اين اسلام Tن اسلام اصیل نیست ، Tن اسلامی که قرآن آورد ، آن اسلامی کــه پیا مبرآ ورد ، آنمدینهٔ فاضله ای كەدرىئرب تشكيل شد ،غيـــراز این اسلامی است که امروز در كشورهاى اسلامي ودركشورماتا بحال بود .ا جتماع ما اگرشکست بخورد ،مهمنیست ،گروههای مذهبی جوانهای مذهبی ،رهبر های مذهبی، بایدمو! ظب با شند كه اسلام شكست نخور دەچهره اسلام خرابنشود، علی (ع) شکست خورد ،ا ما محسین همشکسست خورد .ا ما اسلام معرفی گشت علی ميتوانحت با سياستهـاى معمولی با مروا ن،طلحه وزبیرو معا ویهچندی بسا زد .بعضی ا ز نویسنده های مصری هم میگویند "على سيا ستعدا رنبود . اگربا اینها میساخت ، میتوانسست خلافتش ا دا مهپیداکند . ۲ نها با این دیدمساله را میبینند" ولی اگر اوسازش میگرد ، آیا آنگا ههمان على بودكه مـــا ا مروز میشنا سیم ؟

على شكست خوردولىچېرە على درتا ريخ باقى مانـــد. نظامی که علی میخواست ،بنما نشان داد.

ا مروز ما همهمین را مسی خوا هیم ،اگرخدای نخوا ستــــه ت خورديم ،ميخوا هيمچهــره اسلامباقى بماندفرصت طلبيها وخودخوا هيها ،غرورها ،اينها چهره اسلام را آلوده و منحــــرف آزادیبخش اسلام ،این چهرهای که نا فیهرگونه استعمار و استشمارانسان|زانسان است، است. باقی بماند، بقیهدرصفحه، ۶



فاطمه اميني

وستون مهرها يشهسختي جراحت برداشتند بلکه نخاع او نیز در اثر سوختگی آسیب دید و بدنش فلج شد . بطوریکه دیگـــر هیچ حرکتی نمیتوانست بکند . تنهــا انگشتان یک دست او قدری حرکت داشته است . . . دراثر شدت شکنجهگردشخون او کارکردعادی خود را ازدست دادهبود وخون بتمام بدنش نعيرسيد . بهمين علت دربیمارستان ، اوراروی یک تشک برقسی می خوابانیدندگه هرچندساعت یکباریک طرف آنرابادمی کردند ، تابدین وسیلم حرکتی به اوداده بشودوخون به سایسر نقاط بدنش برسد . ادرارش رانیز با سوند می کشیدند . حتی غذاراپرستاردردهانش می گذاشت . هرروز که پرستاران پانسمان زخم وسوختگی پشت اوراعوض می کردند ، باندی راباندازهٔ سراسرپشت اومشاهــده می کردم ، که آغشته به چرک وخون بود دراین موقع بوی چرگ وعفونت سرتاسسر اتاق رافرامی گرفت ، روزه ۱فروردین همه ماراازبیمارستان به کمیته بردند . ولیسی فاطمه راجون حالش وخيم بودنتوانستند ازآنجاتكاندهند "

منوچهری ، این مزدورخون آشام بعدا "به این جنایت خودوقیحانه افتخار می کرد ، وبرای ترسیم چهره ٔ درخیم خود برای انقلابیونی که گرفتاراومی شدندمی گفت " شماهرقدرهم كەتحملشكنجەداشتە باشید ، به اندازه یک موی فاطعه امینی نیستید ، من جلاد فاطمه امینسی

درسلول اوين

فاطمه پس ازمدتی ازبیمارستسان شهربانی دوباره به شکنجهگاه اوین منتقل غد . درآنجاپیکرنیمه جان اورادریـــک ملول انداختندویکی اززندانیان دختــر راکه پزشک بود ، برای مراقبت ازاوبـــــا

کنند ، بهاین ترتیب که از طریق تماس با

كميتهمحل ، تعداد ١٥ تا١٢ نغرپاسدار

مسلح را به مسجد آورده وبا تهدیدسرے

نیزه و بااستفاده از قنداق تفنگ موفسق

میشوند یک کتابخانه دیگررافتحکنندا ۱

باین ترتیب کتابخانهای که با کوششهای

شبانهروزى تعدادى ازجوانان مسمان محل

پایگرفتهبود ، و باصرف هزینه های شخصی،

قسمتی از کتابهای آن تکمیل شده بود ،

و موفق شده بوددر سطح محل عامـــل

ایجاد یک حرکت فرهنگینوین بشود ،با

نیروی نظامی بهاشغال انحصاگرانی درآمد

که برای خود رسالت "هدایت افکار " یـــا

فاطمه دریک سلول قراردادند . ساواکمی خواست فأطمه زندهبماندتابازهم بتوانداو راشکنجهکند. مطابقخبرهای موثقی که بعد! " به مارسيداطلاع يافتيم كه فاطمه پس از مدتی پرستاری ورسیدگی اینزندا-نی پزشک بهبودنسبی پیدامیکند . ولی دوباره اورابه زیرشکنجه می کشند . ایسن باریک آدرس دروغین رادرقیطریه بمامورم ان می دهدکه آنهاراچندین روزسرگردان مى نمايد . مأموران پس از آنكه مدتها وقت وانرزى خودراهدرمي دهندمتوجه ساختكى بودن این آ درس شده ومجدداً اور ابخاطس انتقام گرفتن تحت شكنجه وآزارقرارسي دهند. درتيرماه وبخصوص مردادشكنجه شدت می یابدوبرای چندمین باراورا می سوزانند ، عفونت ناشی اززخمهای چرکین بدن اوبحدی رسیدکه بوی چرک سرتاسسر فضاى زندان راپركردهبودومأمورين مجبور شدندبرای گریز ازاین وضع اوراروزانی يكساعت دربيرون سلول درآفتاب قسرار دهند . گاهیهم که حالش خیلیوخیـــم می شداورا دربهداری زندان اوین بستری می کردند . دراوائل مردادماه ۵۴ فاطمه برای آخرین باربهشکنجهگاه بردهمی شود ازاین تاریخ ببعدهیچکس ازسرنوشت او اطلاعی نداشت . معلوم نیست فاطمه از این پس تحت چه شکنجههائی قرارگرفت ولی مسلم است که اودرزیرهمین شکنجــه ها ، درزبربي سابقهترين وفجيع ترين

امینی گفت: "فاطمه درسلول خودکشی کردهاست ۱ " و مدارکی هم برای اثبات این ادعایش جعل

شکنجههای قساوت بارجانیان ساواک ب

شهادترسید . (۱) مدارکی کهبعدا "ازسا-

واک بدست آمد . تاریخ شهادت ویرا ۲۵

مردادقیدکردهاند ، دشمن سپس بخانوا ده

نمود . چنین بود که فاطمه این شیرزن مجاهــدو سعبل پرافتخارمقاومت مجاهدين خلــــق ایران درآخرین نیردخودنیزپیروزشد.چه وخون وشکنجه پاکترین وفداکارترین فرز کنجههاوبالبان بسته وخاموش بدست

پیروزی بزرگترازاین کهدشمن را با همیده ندان مجاهداین خلق بدست آور دیم . تكنيك بيشرفته وابزارشكنجهاش تابدينحد حقيروسرافكندهسازدوتمام اميداوراسراى دستيافتن به اطلاعات واسرارسازمانسي پاهایسالمش بزانودرTمدولی فاطمه بـــر روی پاهای خونآلودوبدن فلج خودسر. سخت وفهرمانانهايستاد 1

مایقین داشتیم که چون هدف خویــش را بدون شک راه جنبشخلـــق ماوراه بهروزى خلق وبرقرار ساختن توحيدويكا جهادعظیم ضددیکتاتوری بدون چنیسن قربانیانی ، بدون این فداکاریهاوجائباز یهای قبرمانانه گثوده نمی شد . مادرنبرد هابیاری ماخواهندشتافت وزمانی که توده

> سهمگینی که برعلیه سرسپردگان امپریا ــ لیسم آغازکردیم می دانستیم که این راه سخت وطولانی است وپیروزی ساده وزود بدست نعي آيد ، مادانسته بوديم كه اين راه قربانیان زیادی می طلبدوتمام ایسن خونها ورنجها وشكنجه هاضرورت اجتناب ناپذیرتکامل انقلاب اند . مامکتبمان راه اسلام اصيل وانقلابي رانيزازهمين طريق ازلابلای جوخههای اعدام وازمیان رنسج

نكى احتماعي قراردادهايم ،بتدريج توده .da 10 5%

مامی دانستیم که دراین نبرداول

بارماضعیفیم ودشمن قوی مامی دانستیم

که دشمن بطور تاکتیکی اتفاقا " یکببرر

واقعی وبسیاردرنده است.ولی ازطسرف

دیگرعمیقا " ایمان داشتیم کهنبردی راکه

مابرای نابودی ستم وبهرهکشی آغازکرده

ایم ، یک جنگ عادلانه وانقلابی است

هابه مبارزهبرخيزندديگرهيچ نيروئىقدر ت مقاومت درمقابل آنهاراندارد . درآن زمان ماهیت کاغذی این ببرمشخص می شودو بنيادبسيارست كاخ عنكبوتىظلم ودیکتاتوری آشکارخواهدگشت ، وان|و_ هَنَ الْبُيوتِ لُبَيْتُ الْعَنْكَبُوتِ (ــــوره عنــکبوت آیه ۴۱) " همانااست تریــــن خانهها ، خانه عنكبوت است " ، بنابسر این اگرچه این عزیزاندرزیردردناکترین

شیودهای مختلف اقدام به اخراجمسٹو_

لین نمودهاند . در تمامی موارد فوق ، علیرغــــم

تفاوتهای شکلی ، مضعون مشترکا نحصار

طلبی مشهود است ، ارتجاع باعملکردها _

ی غیر اسلامی خود قدم در گردایی،م، ـ

گذارد که در طولانی مدت بهباتلاقیی

فروکشنده و مکنده تبدیل خواهد شد.

باتلاقی که در سر راه تمامی قدرتمندانی

قراردارد که فاقد تقوای اجتماعی باشند

مگر این تاکید امام علی نیست کهصلا _

حیت قبول مسئولیت را تنها عناصـر ی

دارند که اولا" بینش تاریخی وقدر ت

جمع بندى تجربيات گذشتگانو نظامهاى

طبقاتي و مقام پرستي و منافع طلبي بـــه

زيور تقواى فردى واجتماعي آراستهشوند

یک راه برای تمامی نیروها باقی نخواهد

راهی که در اصل همان مسیری است کسه

که تمامی قدرتمندان و طاغوتیان جها ن

انديشانه شريعتيها ويا عناصر صديق و

مومن هراس دارند؟ چرا مسئولين كتا ــ

بخانههای ابوذر و لرزاده و . . . که بـا

صداقت ایدئولوژیک خود تلاشی مستمر

داشتند وشابستگی خود را در محیــــط

اجتماعي خويش نشان دادند، بايدچنين

خودسرانه تصفیه شوند؟ و کتابهاواند ــ

چرا انحصارطلبان از فعالیتآزاد

در سراشیب آن سقوط کردند.

و ثانیا بدور از هرنوع وابستگی

بدون این تقوای اجتماعی و فردی

سقوط کرده را داشتهباشد .

كثيف ترين مزدوران سرسيردها ميرياليسم بشهدات رسيدند ،اماتأثيرات تمام ايسن مرگهای انقلابی همواره درکالبدجنبسش انقلابى خلق ماپابرجاست وزنان ومردان مجاهدرزمندهای کهبرای ادامهراه آنها به میدان می آبندهمواره خاطره دلاوریها وفداكاريهاى آنان را پشتوانه پيكار انقلابي ومقدس خودخواهنديافت ويرچم آرمــان توحیدی راکه باخون این شهدای والامقام سرخ گشته همچنان برافراشته خواهنسد دائت .خصلتهاى انقلابى و توحیدی، فاطمه

فاطمه ازدرون همين جامعه وازميان تودهمردم وباقلبى اكندهازعشق بعييكار درراهخلقبرخاستهبود ازلحظهایکه قدم درراه مبارزه گذاشت تازمانیکهقهرمانانه درزیرشکنجه شهیدشد ، آنی ازتلاش و _ فعاليت دررا دانقلاب وسازمان اش وبيروزى آرمانهای اسلامی ومردمیخودغافلنبود . نمام امكانات وانرژيهاوهستى خودراوقف سازمان وانقلاب نمود .

فاطمه حقوقي راكه ماهيانهمي كرفست متعلق به مردم می دانست وآنراتماما " در اختيار سازمان قرارمي دادوهر كزديناري بیش ترازحدیک زندگی سخت وپائینخرج نکرد . یکباردراین موردگفت " وجودماو معلومات وتحصيلات ماهمكى نتيجهرنسج وخون دل این مردم ومحصول کاروعــــرق ريختن ميليونها انسان رنجديدهوزحمتكش ميهن است كه خودازتامين حداقلمعيشت ووسائل واحتياجاتي كهبراى زندهما ندن لازم است عاجزاند " پسازدستگیریهمسر وهمرزم مجاهدش، منصوربازرگان ، هـــم چنان به پیکارخستگی ناپذیرخودحتسی فعالانهترازگذشته ادامهداد . مقاومسست سرسختانه وجسارت انقلابى فاطعه نيسزاز پاکباختگی او سرچشمهمیگرفت.

مسئوليت نير وهاي متعهد

یشههای مردمی اینچنین موردتهاجـــم قرار گیرد؟ جوابش را همانطور که گفتیم بايد درماهيت انحصارطلبان وارتجىا ع

درسخت ترین شرایط چنان روحیـــــهٔ

بقیه در صفحه ۴

جستجو کرد . طبیعی ارتکهچنین شیوهای بهیچ وجه نميتواند مطلوب وحتى قابل تحمل برای کسانی باشد ،کهدرقیدوبندوابستگی ها وموضع طلبى هاگرفتارندومنافع راستين خلقوانقلاب بخاطر آن بود ، و شهدا ۴ برای آن جانفداکردند ، با تمام وجبود میبندند ، ودر نتیجه بنیرویبازدارنده و میرنده تبدیل میشوند . اما انسان متعهد که در اندیشه پاسداری از آزاد. اندیشی ،انقلاب ، وخون شهداست هرگز نميتواند از راه خود بازايستدوتعهدخود رافراموشکند . وعلاوه بر آناین روشهای غیردموکراتیکهیچگاهرادانسانهایمسئول را نخواهد بست ، و تعهدومسئولیت رااز آنان سلب نخواهد كرداينانراهخويــش رابست رشدوتعالی در هرشرایطـــــی خواهند یافت ، و رسالت خویش را ایفاء

خواهند کرد . اما برای افرادی که در یک پروسه طولانی وبر مبنای شناخت ایدعولوژیکو تعهد غود نسبت بخداو خلق به مبارزه کشیده شده اند ، بدور از هرنوع وابستگی اجتماعی ، مصمم به ایفای تعهـــدا ت و پیمانهای خدائی و خلقی خود هستند. برای اینان این امکان وجود ندار دکه دمی از منافع راستين اسلام وخلق مستضعف غافل شده ،و درجهت ارضای صاحبـــان قدرت گام بردارند،

پیامبر بزرگوار اسلام کنیم کهفرمود: "قصم ظهری رجلان ، عالم مشهشک وج*اهل متنسک "* . (دوگروهکمرمراشکستندواستخوان_

های پشتم را خرد کردند. يكي عالمي كهميداندودستورهاي اسلامی را زیر پا میگذارد ،وپردهها ی اسلامی را میدرد ، وبدینوسیلهکمراسلام

اسلام راستين را دردمند ومحزون ميسازد بنا برآنچه گفتهشد، سوال اینجاست که:

و چهماوائی در پیش روی دارد؟

را میشکند. ودیگر فرد جاهل و عامی کهناآگا۔ هانه خود را بهاسلام میچسباند، وازطریق انجام کارهای کورکورانه ونابخردانه بسر این است دردی که هرانسان متعهدیسه

چنانچه شاهد بودهایم اشغالکتا_ بخانهها تنها نبونههاى منحصر بفرد از كاركرد انحصار طلبانه چنين عناصيرى نبوده است . بلکه این عنا صرهر جا مشاهده کردهاند ،گرایشات فکری مسئولین امور ، درجهت تامين منافع آنها عمل نميكند، بلافاصله دست بكارشده وبا توسل بــــه

رسول خدا ضربهکاری میزند " .

اولا": چگونه است کهافرادی ک براى خودنقش روحاني قائلبودهودعوي پیروی ازمبانی اعتقادی اسلام رامینمایند ، بالاخره پایدرهمان مسیری میگدارند ک طاغوتیان ، سالهای سال آن را تجربـــه كردهاند؟ و ثانيا " چنين عملكردهائيي درنهایت خود بهکدامین سوی رهمیبرد

اشغال انحصارطلبانه جراارتجاع از روشهای غییر مدر دردن می بوشی و با رفاحت دمه دانسک به و می کدرد دموكراتيك بهره مىكيرد تمام از وجود افراد مسلح استفاده مسى_

ا ينكهار تجاع درست از همان روپها ئىي استفاده ميكندكه درزمان طاغوت شيوهمرسوم و متداول بود هیچ عجیب نیست ، همچنین اين مسالمكه ارتجاع نيزبانداز مكاركزاران رژیم طاغوتی از گسرش فرهنگاصیـــــل اسلامي و از آزاد نديني توحيد وتوسعه فعاليتعناصر صديق ومعنقد به اسسلام انقلابی هراس داشتهباشد نیز امری غیر منتظره نیست . روشن است که ارتجاع بنا به ماهیتخود و از آنجا کهاساسا "وابسته به نیروهای میرنده جامعهاست ،هیـــــج امکان دیگری دراختیار ندارد ، بجزآنکه روشهاى ديكتاتورى واعمال زوررا دربرابر اسلام ومنطق انقلابي قرار دهد . نيروـــ های میرنده هرگزنمیتواننددریکبرخورد منطقی وآزاداندیشانهپایگاهیداشتـــه باشند . دلیل توسل آنان به شیوههای نظامي ، ضعف محتوائي وميرندگي اجتماعي Tنانست .ولی آنچه کهدراینجریان مطمح نظر است ،این مسالهاست که چرا ایسن جریان بنام اسلام تمام میشود؟ وآیــــا براستى اسلام مبراازاين شيوه هاى ارتجاعي نیست؟ آیا ضربهایکه از این طریــــق مرتجعين بداسلام ميزنندقابلجبرانست؟ آیا هیچ نیروی ضد اسلامی میتوانـــد همانند اسلام نمایان به توحیــد ضربــه کاری و مهلک وارد کند.

بجاست دراینجا یادی از سخـــن

صريحتر بكوئيم " تغتيش عقائد " قائــل نمونه فوق ، تنها یک مورد از موج تهاجماتي بودكه درعرضچندهفتهگذشته از سوی مرتجعین برای تصفیموپاکسازی ۱ کتابخانههای مساجد بپاخاستهاست.

چنانچه درست یک هفتهقبلازآن درپی تهاجمی مشابه ، باهدایت رئیس كميته منطقه ه إكتابخانه مسجد لسرزاده به اشغال درآمد وحتىمسئولين آن تهديد شدند چنانچه در اطراف کتابخانهترد د نمايند بازداشت خواهند شد.

درهفتههای قبل نیز شاهد چنین شیوههائی در سرتاسر ایران بودیمو د ر برخى نقاط باسوختن كتابىها مواجهكشتيم درمحیط مقدس دا نشگاه

این اولین نما زجمعـــه

هميشه رزمندهٔ تهران،نماز

جمعهٔ بی سابقه ای برگزارشد

دیکتا توری واختنای در -

میهنمان به اما منت مجاهد

نستوه آيه الله طالقاني شكوهي

ا زوحدت مفوق خلق را بنمایش

جما عت با نصا یحی پدر انـــــه

مردم راباقیام به قسط وعدل

وجها دبه وحدت هرچــه بیشتــر

درمسیرمبا رزه٬ ضدا ستعمـــا ری

وحدت تمامی اقشار مردم و

خطراتی که درسبرراه ایستن

وحدت ا ست فرمودند : "وحدتــــى

كه ازدرون دلها وجدا نهـــا

سرچشمه گرفته وحدتی که بـا

رهبریهای قاطع اسلامی بحرکت

درآمده دنیا رانگران کرده.

آمریکا ،امپریالیسم ارویا ،

صهیونیسم همه به وحشاست

افتا دند . باکــا رهــــای

احمقانهای که درسرحدات ما

براه می اندا زندگمـــان

میکننداین صفرا متلاشی كنندولى جزرسوائى بسرا يخود

سخنا نشا ن باهما ن جدیتی کے

درکلام ایشان سراغ داریـــم

گفتند: " استعما ربیا یدجلو،

ودرقسمتی دیگراز

بقیه درصفحه ۴

نمی گذا رند"

ازجمله درباره عظمــت

دعوت کردند .

ایشان بعنوان امسام

كزارش ازبرزكترين كنكره شوراهاى كارخانجات

- همشاركت مؤثرد رسياستهاى سازمان نوسازى، ونيزمشاركت درانتخاباتمديران ازخواستهاى شوراهاست.
- کسب حقوق کارکنان براساس موازین اسلامی وبرای دست يابى به جامعهٔ بى طبقه توحيدى مى باشد.
 - •ایجادصنایعملی،ازبینبردنوابسنگیصنعتی ازاهداف اتحاديهاست.

شوراها در میان تمامی اقشار و طبقات خلق بويژهطبقات مستضعف جامعه ما مظهر دموكراسي وابروى انقلاب ايران میباشد ، دراین میان اتحادیه سراسسری سوراهای انقلابی اسلامی کارکنان شرکت. های وابسته به سازمان گسترش و نوسازی صنايع ايران در خلال جلسات خودموفق به تصویب اساسنامهوصدورقطعنامهمترقی۔ ای شد ،که قدم مهم دیگری در تکامل شو ــ راها بشمار ميرود ، اين نخستين اتحاديه شورایی درتاریخ مبارزات کارگری ایسران

بدنبال گزارش كوتاهي كهدرنشريه شماره وقبل ازاین کنگره داشتیم ، اینک

مختصری از عملکرد نشست نهایینما ـ بارسیاسی ۔ اجتماعی و یندگان اتحادیه را ازنظرتان میگذرانیم

شعا ئىرا سىلام حا مىل محتوایی سرشا را زمعانی بکرو واقعی درابعا دفردیوا جتماعی استودرمیان تمامی شعبا شر نمارجما عت سمبل وحــــــدت ویکا نگی انسانها با یکدیگسر وباخدای خویش است .بویـــژه نما زجمعه که همچون حـــج

پربا رہما ہ نزول ایدفولسوژی توحیدی وتجهیزا نســا ن بنــه معیا ری رای شناخت را هکما ل ا زبيراههٔ خدتكا مل (شَهِــرُ رَمَهٰا نَ الذِّي أُنْزِلُ فِيهِ الَّقُرآن هُدى لِلنَّاسِ وَبَيِّنَاتِ مِنَ النَّهُدَى

درا ولين جمعه ماهيي

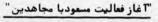
نمازو حدت تجلى نياز وحدت

اقتصادی بیشتری دارد.

وُالْفُرْقَانِ) .

مختصري دربارة شرح زندكي وسركذشت مبارزاتي برادرمجاهدمسعودرجوي مسعودرجوى همراه برادراني كههمكي شهيد شدند ، نقش خودرادررهبرى مجاهدين بعهده كرفت

مسعود رجوی در سال ۱۳۲۷ در شهر طبس در خانوادهای مذهبی متولد شد. تحصیلات ابتدائی ومتوسطه را در مشهد گذراند . درطول سالهای تحصیـــــل در جلسات مذهبی _ سیاسی متعددی شرکت ميكرد ، اين فعاليتهابدنبال قيام قهر-مانانهٔ خلق در ۱۵ خرداد ۴۲ گسترش و بعد دیگری یافت . او بدنبال دستگیری اعضاء نهضت آزادی ایران و بخصوص دستگیری حضرت آیت الله طالقائسی و مهندس بازرگان به پخش کتب ونشریات آنانپرداخت و ازاین طریق به گسترشو ارتقاء مبارزات اسلامى درآن مرحله همت گماشت ، او فارغ التحصيل رشته حقو ق سیاسی از دانشگاه تهران است .



مسعود در سال ۱۳۴۶ و درحالیکه بیش از ۱۹ سال نداشت به عضویت د ر سازمان مجاهدين خلق ايران پذيرفت شد ویکسال بعد به عضویت گروه ایدئولو ــ بقیه درصفحه ٔ ۸



ديماه كذشته پاكرفت، اين شوراها در شرايسط کونی از برکت آزادی نسبیموجودموفق بهتشکیل یک اتجادیه سرا سری شدند. باشد

هسته اولیه شوراهای کارکنان ایس

پاسداری ازمیراث شهدا

شرکتها در اوج مبارزات مردم میهنماندر

که پیوند خجسته شوراها طلیعه وحدت و تورامیدیبرای مستضعفین ایران شود . از آغاز روشن بود که دستهای پر-توان كاركران وهمت كاركنانموانع زيادى را از سرراه برداشته است تا توانستهاند

با این گردهمائیمظهری از وحدتشورات بقیه در صفحه ۴

گزارش سازندگی دراردوی عمرانی و آموزشی

"عباس آباد" بارساری یك روستا

- "جوانان انقلابي، اين سرمايه هاى برزك خلق باسارندگى درروستاها، خود را ميسارند. "
 - فئودال معروف منطقه براى تصاحب زمينها ازهيج دسيسهاى فروكذار نميكرد

ریشه اصلی درد:

تسلط ديرينة المهريا ليسمبر میهن ما وجنایتهای بیشما ر رژیم سفاک پہلوی ،تما مـــی این سرزمین را به ویراندای تبدیل کرده است ، روستا های

* فاطمه پس از دستگیری همسر و همرزم

مجاهدش همچنان به پیکارخستگینا۔

های وحشیانهای راکه در اوین بهفاطمه

داده شد به نقل از مشاهدات بسرادرش

شرح داديم . اكنون توجه شمارا به صحنه

های دیگری از ددمنشی جلادان وحماسه

آفرینی این مجاهد قهرمان در زیرشکنجه

جلب مینمائیم . فاطمه مدت ۵ ماه زیسر

شکنجه قرارداشتهاست. در طول این ۵

ماه ما بجز خبرهائی که حاکی از افزایش

شدت شكنجه بودهاست اطلاعات دقيقي

از جزئیات شکنجههاوضربات واردشده بر

او نداریم . آنچه مسلم است دشمسن در

مورد وی از هیچ قساوتی فروگذار نکرد .

بخصوص که خبر کشته شدن او را از پیش

اعلام كرده بود . ديگرباخيال آسودهمي

توانست تمام کینههای ضدبشریاش رابا

ادامه شكنجه او خالى كند . فاطمه طبي

۵ ماه تحمل فجیع ترین وبیرحمانهتریس.

شکنجههای دژخیمان ساواک در شکنجه

درشمارهٔ پیشجریان یکروز شکنجه_

پذیر خود ادامه داد .

مابیش ازهرجای دیگرداغ این ستمها را برچهره خوددا رنـــد ، برنا مههای ضدمردمی رژیـــم دیکتا تورمعمدرضا شا هکهبـــــر اساس منافع امپریالیستہای جها نخوا رتنظیمشده بود ،ا سا س كشا ورزى وزندكى روستا ئىخلق

گاه اوین بدستجلادانی چون اسفندیاری

و فرامرزی وازقندی و . . واقعاً قصابی شد .

در بیمارستان شهربانی

شهربانی دیده شد . در آخرین روزهای

سال۵۳ هنگامیکه یکی از برادران بر اثر

شكنجه زياد روانه بيمارستان شهربانسي

شدهبود ، فاطعهامینی را دریکی ازاتاق_

های بیمارستان مشاهدهمیکند .اینبرادر

هائی که دیده بو دچنین توصیف کرده است:

حالت نیمه جان افتاده است. برا در دیگری

نیز در همین اتاق بستری بودکه بر روی

تخت مجاور قرار داشت ، اتاق مادو نفر

و تخت فاطعه بوسیله پرده پاراوان جدا

میشد . ما بسهولت میتوانستیم ازپشت

پرده باهم صحبت كنيم ، من ابتدا نام

این زن راسؤال کردم ، وقتی اسمش را

گفت ، چون نمیشناختم پرسیدم ازکدام

سازمان آیا شما مجاهد هستید ؟ پاسنے

داد: "بله ،البته اگر عمل وجهادم در

ت وحشتناک فاطمهرا پس ازشکنج

" زنی را دیدم که برروی تختیبه

فاطمه در بهار ۵۴ در بیمارستان

مجاهدشهيد فاطمه اميني

چگونه در زیرشکنجه بهشهادت رسید؟

● فاطمه پس از دستگیری همسر و همرزم مجاهدش منصور

بازرگان همچنان به پیکار خسنگی ناپذیر خود ا دامه دا د

ما را بکلی نا بودگرده است . و بی تردیداحیا ٔ کشاورزی وسا ـ زندگی روستاهای میهنمان هم چون ترمیمدیگرخرا بیهیای نها دهای ا مپریالیستی ،از ا سا سیترین وظائفیک دولست بقیه درصفحه ۳

اشغال انحصار طلبانه كتابخانه

• ارتجاع ماهیتخودرا نشان میدهد. منطق توحيد از اين شيوه هامبراست.

محكوماست

در روزهای گذشته باردیگرشاهسد بوديم كه چكونه ارتجاع تاب تحمل هيچ گونه حرکتی را ازسوی نیروهای مترقسی مسلمان ،بمنظورگسترش سلطة انحصار ــ طلبانه خود اقدام بهاشغال يككتابخانه دیگرنمودند ،اینبارکتابخانهابودر واقع در مسجدی بههمین نام درخیابان پارک، میدان خراسان هدف تهاجم قرار گرفت. چند روز قبل از تهاجم ، روحانی محل به کتابخانهمزبور مراجعه کرده ، و اطلاع ميدهدلازم است چندنفر راجهت نظارت بەاينجا بفرستم ، روزبعد سمىچهارنفىر' طلبه به کتابخانه مراجعهکرده ، و پسس از یک بررسی اجمالی از کتب موجمود ، اعلام میکنند که وجودکتابهای مرحوم دکتر علیشریعتی و کتابهای مجاهدیس خلق ایران برخلاف ضوابط است ،وباید مشمول تصفيه قرار گيرد . مسئولين كتاب بخانه که نسبت به اعتقادات خودپایبند بودند و ماهیت کتابهارا میشناختنسد و ععق رابطه این کتابها را بااسلام راستین

درک میکردند ، در قبال این خواست غیر



بيشكاه خدا وخلق مورد قبول واقع شود . . . من سعی کردم از شکنجههای او دقیقت ر جویا شوم ، اگرچه او حاضر نمی شداز بگوید ، ولی با اصرارما وتأکید براین که شرح شکنجههائی که دیدهای با ذکــــر جزئیات آن برای مامهم است ،توانستیــم آوریم . او بما گفت کهمزدوران او را د ر در زبر آن شعلهگازروش کرده بودنسد خوابانیدند ، در همین منوقع ازقندی (معروف به منوچهری) پایش داروی شکم فاطمه قرارداده و باواردآوردن فشار بسر بقیه در صفحه ۱۱



رنجها و سختيهائي كهتحمل كردهسخين اطلاعاتی از جریان شکنجههای اوبدست اوین بهشدت شکنجه کردند . شکنجهگران او را لخت کرده و روییک تخت فلزیکه روی او بدنش را بآتشنزدیکمیکردهاست فاطمه را باین ترتیب سهبار سوزاندند.تا آنجا كه نهتنها پوست وگوشت واستخوان

اصولى مقاومت كرده ، وبه آن تن نميدهند درحقیقت مقاومت در برابراین رفتارهای غيراسلامي را مسئوليت ايدئولوژيکخود ميدانستند ، بالاخره روز چهار شنبـــه (۴/۲۰) ، چند نفر ضمن مراجعه بهمخل كتابخانه تلاش ميكنندبا استفادها زبلند کوو ایراد اتهامات واهی از قبیل "کمو_ نیست " و "منافق " نسبت بهمسئولین کتابخانهٔ مسجد ، مردم محل را تحریک کنند ، باین امید که از این طریق مبادرت به اشغالكتابخانهبنمايند . ولى چــون مردم كتابها ومسئولين كتابخانه راازقبل ميشناختند اين توطئه هم ناموفق ميماند. درنهایت مرتجعین متوسل بآخرین حربه بقیه درصفحه ۱۱

هفته نامه مجاهد نشريه مجامد ين خلق ايران سال اول _ تکشماره-18 ریال آدرس تهران. خيابان مصدق جنبش ملي مجاهدين